

جانانسن

فصلنامه فرهنگی - دانشجویی دانشگاه جامی

سال دوم، شماره ۴، بهار ۱۳۹۸، ۲۰۱۹م - ۱۴۴۰ ه.ق.

صاحب امتیاز: دانشگاه جامی

مدیر مسئول: محمد علم عالمی

سر دبیر: مرضیه یلانی

طراح گرافیک: تقی وحید

چاپ: گرافیک برتر

اعضای هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

جاوید غفوری، حامد اسلمی، سهیلا محمدی، سید محبوب سادات، سید
میا حسینی، عبدالمنان عطایی، وحید احمد فضلی

فهرست مطالب

اخلاق دانشجویی	۲
جایگاه زن در جهان بینی اسلام	۳
اتفاق در جرم	۷
کلکسیون های ملی و مراکز انکشاف میوه جات و مغز باب افغانستان	۱۴
تب خون دهنده کریمه کنگو (CCHF)	۱۸
افسردگی چیست؟	۲۲
گلبانگ جامی	۲۸
آیین نامه نگارش مونوگراف	۳۴
گزارشی از کارنامه های علمی و فرهنگی دانشگاه جامی	۳۶

اخلاق دانشجویی

هر چه زمان می‌گذرد و انسان‌ها پیشرفت می‌کنند، نیازشان به «اخلاق»، «معنویت» و «انسانیت»، بیشتر می‌شود. از نظر اسلام، اخلاق و علم رابطه بسیار عمیق و مستحکمی باهم دارد. اخلاق منهای علم و علم منهای اخلاق، هر دو ناتمام است. قرآن کریم در آیات گوناگون و پیامبر اسلام، بار بار، اهمیت فوق‌العاده‌ای برای دانش، دانشمند و دانشجو (علم، عالم و طالب العلم) قائل شده‌اند. براساس حدیث مشهور «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ». پیامبر علم آموزی را بر هر مسلمانی فرض دانست و ضرورت تحصیل علم را به طور مطلق بیان فرمود؛ یعنی در این کلام نه قید افرادی دارد و نه قید زمانی و نه قید مکانی و نه هیچ محدودیت دیگری؛ از سوی دیگر حضرت ایشان دلیل و فلسفه آمدن و بعثت خود را رحمت و «تکمیل مکارم اخلاق» بشر و ترویج فرهنگ انسانیت دانسته است. نتیجه‌ای که از این دو موضوع می‌توان گرفت آن است که از نظر اسلام، علمی با ارزش، دارای اهمیت حیاتی است که در کسب و همچنین در کاربرد آن، ارزش‌های اخلاقی و انسانی رعایت شده باشد. علم بدون اخلاق ناقص است؛ زیرا مهم‌ترین هدف علم اخلاق، هدایت انسان‌ها به سوی کمالات و دوری از فساد و پلیدی‌ها و جلوگیری از رذایل و پلستی‌ها است و علم به تنهایی چنین توانایی را ندارد؛ چنانکه علم، قدرت شگرفی در زندگی افراد و اداره و پیشرفت جامعه دارد که اخلاق به تنهایی نمی‌تواند چنین نقش و وظیفه مهمی را ایفا نماید. بنابراین نیاز است که یک دانشجوی مسلمان به همان میزانی که در کسب علوم و فنون باید کوشا باشد در کسب فضایل و ارزش‌های اخلاق نیز مُجَدَّانه تلاش ورزد تا با علوم و مکارم اخلاقی بارور و آراسته گردد و در کشور و جامعه ارزش محور خویش، شخصیت مفید و موفقی باشد.

از نظر اندیشمندان، اخلاق ابتدا به دو شاخه نظری و عملی، و سپس اخلاق عملی به شاخه‌های فردی، حرفه‌ای، سازمانی، ملی، جهانی، ... تقسیم می‌شود. اخلاق حرفه‌ای، رشته‌ای کلی است که با شاخه‌های مانند اخلاق کار، اخلاق حقوقی و اخلاق دانشجویی تکمیل می‌شود. در اخلاق دانشجویی هنجارهای لازم برای یک دانشجو در تعامل با اداره دانشگاه، در تعامل با استاد، در تعامل با دیگر دانشجویان و فعالیت‌های علمی تعیین می‌شود که برای سالم‌سازی فضای دانشگاه، یک دانشجو باید این هنجارها را رعایت کند، تا این نهاد علمی، استادان و هم‌صنفان، کارایی و تأثیرگذاری خود را بیشتر و بهتر نشان دهد.

.... ادامه دارد.

مرکز تحقیقات علمی دانشگاه جامی

جایگاه زن در جهان بینی اسلام



سهیلا محمدی

سمستر چهارم دانشکده شرعیات دانشگاه جامی

برتری دارد. متأسفانه هیچ‌کدام از این دو گروه به جایگاه حقیقی زن در اسلام پی نبرده‌اند، یا از آن اطلاع دارند؛ اما به هدف فتنه‌انگیزی و ترویج فساد در جامعه، حقیقت را با باطل می‌آمیزند تا زمینه را برای سوء استفاده کسانی فراهم کنند که می‌خواهند از آب گل آلود ماهی مقصود بگیرند.

قبل از بیان وضعیت و جایگاه حقیقی زن در اسلام شایسته است نگاهی گذرا به موضوع زن در اروپا بیاندازیم. زیرا این امر منشاء فتنه‌ای است که شرق با تقلید و پیروی کورکورانه از اروپائیان بدان دچار شده است.

امروز در شرق غوغای بزرگی به نام حقوق زن و درخواست ایجاد برابری کامل میان زن و مرد برپا شده است. در میان این غوغا که شبیه تب [سری و واگیردار] است، برخی از زنان و مردان در باره‌ای اسلام شروع به هذیان گفتن کرده‌اند. گروهی از آنان با هدف گرفتار کردن دیگران ادعا می‌کنند که اسلام دشمن زن است و او را در جایگاه شبیه جایگاه حیوان و فقط به عنوان ابزاری برای لذت مردان و تولید نسل قرار داده است.

بنابراین، از دیدگاه اسلام زن تابع مرد است، به گونه‌ای که مرد در همه امور بر زن چیرگی، تسلط و

زن در اروپا و سراسر جهان به عنوان موجودی بی ارزش به حال خود رها شده بود و کسی او را انسان به شمار نمی‌آورد. دانشمندان و فلاسفه در باره آن بحث و جدل می‌کردند که آیا زن روح دارد یا خیر؟ چنانچه داشته باشد، آیا آن روح، انسانی است یا حیوانی؟ با فرض داشتن روح انسانی، آیا وضعیت اجتماعی و انسانی‌اش در مقایسه با مرد، همان و ضعیف‌برندگان است یا جایگاه بالاتر از آن‌ها دارد؟

حتی در دوره‌های کوتاهی که زن در یونان یا امپراطوری روم دارای جایگاه اجتماعی‌والای بود، باید دانست وضعیت همه زنان این گونه نبود؛ بلکه این امر فقط به تعداد محدودی از زنان که جایگاه خانوادگی‌والایی داشتند یا زنان پایتخت ختم می‌شد که زینت محافل و یکی از ابزارهای خوش‌گذرانی و رفاه ثروتمندانی بودند که بر آراستن آنها برای فخر فروشی بر دیگران تأکید داشتند. اما هرگز به عنوان انسان‌های شایسته تقدیر و احترام با هدف بزرگداشت جایگاه انسانی‌شان و صرف نظر از شهوت‌های مورد علاقه‌ای مرد به آن‌ها نمی‌نگریستند.

در دوره‌های بردگی و فئودالیسم در اروپا، این وضعیت همچنان ادامه داشت و زن در جهالت و نادانی به سر می‌برد. گاهی جهت رفاه و خوش‌گذرانی مردان در ناز و نعمت به سر می‌برد و گاهی نیز مانند حیواناتی که می‌خورند و می‌نوشند، بار می‌برند و زاد و ولد می‌کنند و شب و روز کار می‌کنند، به حال خود رها می‌شد.

سرشت و طبیعت انسان اروپایی در طول تاریخ این‌گونه خود خواه خشک و بی‌روح و از سخاوت و بخشندگی دور بوده و از قدم نهادن به جایگاه‌والایی

جوان مردی که برایش هزینه و سختی به بار می‌آورد و برایش نفع مادی کوتاه مدت در بر نداشته باشد، خود داری کرده است؛ اما وضعیت اقتصادی دوره‌های بردگی و فئودالیسم و بلوک‌بندی به وجود آمده و در آن دو دوره در محیط کار کشاورزی به طور طبیعی ایجاب می‌کرد که مرد تأمین هزینه‌های زندگی زن را به عهده بگیرد. علاوه بر این زن در خانه، زمینه صنایع دستی ساده متناسب با اقتصاد کشاورزی فعالیت و هزینه زندگی خود را تأمین می‌نمود.

اما انقلاب صنعتی همه اوضاع و ساختارهای روستا و شهرها را دگرگون کرد و با استخدام زنان و کودکان در کارخانه‌ها و انتقال کارگران از محیط روستا که بر اساس همکاری و تعاون بر پا شده بود (به شهرها) که در آن مردم یکدیگر را نمی‌شناختند، نظام خانواده را به طور کلی نابود کرد. شهرهایی که هیچ‌کسی مسئولیت و سرپرستی فرد دیگری را به عهده نمی‌گیرد، بلکه هر کسی به فکر کار و لذت خویش است و جایی است که به آسانی می‌توان از راه نامشروع به ارضای شهوت جنسی پرداخت. در نتیجه تمایل به ازدواج و زیر بار مسئولیت خانواده رفتن بسیار کاهش می‌یابد یا حداقل چندین سال به تأخیر می‌افتد.

در اینجا هدف ما نیست که تاریخ اروپا را مورد مطالعه قرار دهیم، بلکه فقط عواملی را که در زندگی زن در اروپا تأثیرگذار بودند بررسی خواهیم کرد.

گفتیم که انقلاب صنعتی باعث استخدام زنان و کودکان شد؛ در نتیجه روابط خانوادگی و نظام آن را ناپود کرد. اما در این میان، زن در زمینه فعالیت کرامت انسانی و نیازهای روحی و روانی‌اش بیشترین هزینه را پرداخت. مرد از یک سوء‌از برعهده گرفتن بار مسئولیت و هزینه‌های زندگی‌اش امتناع می‌ورزید و از سوی دیگر حتی اگر آن زن همسر یا فرزندی داشت باز هم برای تأمین هزینه‌های زندگی‌اش او را وادار به کاری می‌کرد. از سوی دیگر کار فرماها به بدترین شیوه از آنها سوء‌استفاده و آنها را مجبور به انجام چندین ساعت کار می‌کردند. اما در مقابل به آن‌ها دستمزد کمتر از دستمزد مردانی می‌پرداختند که همان میزان کار را در همان کارخانه انجام

اسلام فقط به تحقیق شخصیت زن در مسئله بی‌حق مالکیت بسنده نکرد؛ بلکه آن را در مهمترین و حساس‌ترین مسئله در زندگی زن یعنی ازدواج به رسمیت شناخت؛ بنابراین، بدون اجازه زن نمی‌توان او را به عقد کسی در آورد. در غیر این صورت عقد صحیح نخواهد بود.

می‌دادند. نیازی نیست که بپرسیم که چرا وضعیت زن در اروپا چنین بود. زیرا همگان می‌دانستند که مردم اروپا خشک، بی روح و ملال آورند و به کرامت و ارزش ذاتی انسان اعتقادی ندارند و چنانچه می‌توانند کار بدی کنند که از عواقب اش در امان باشند، هرگز به سوی کار نیک گام بر نمی‌دارند.

در اینجا بهتر است، دوباره به بررسی وضعیت زن در اسلام بپردازیم تا بدانیم آیا وضعیت تاریخی، جغرافیایی، اقتصادی و قانونی چنین وضع دشواری را برای زن به وجود آورده است، که مانند شرایط زنان غربی آن را به مسئله تبدیل کند تا برای رسیدن به حقوقشان مبارزه کنند یا فقط شهوت تقلید و پیروی محض و بندگی پنهان برای غرب است که مانع دیدن حقیقت امور با چشمان خودمان شده است. سرو صدای ساختگی این سر بردگان غرب در کنفرانس‌های زنان، فضا را از فریادهای خالی از حقیقت پر کرده است. یکی از امور بدیهی در اسلام که نیاز به بازگویی ندارد، این است که از دیدگاه اسلام زن یک انسان دارای روح انسانی از همان روحی است که مرد آن را داراست. چنانچه خداوند متعال می‌فرماید

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا رُؤُوسَهُمْ وَرَبَّهُمَا رَجُلًا كَثِيرًا وَنِسَاءً) النساء (۱)

ترجمه: ای مردم از (خشم) پروردگارتان بپرهیزید؛ پروردگاری که شما را از یک انسان آفرید و (سپس) همسرش را از نوع او آفرید و از آن دو نفر مردان و زنان فراوانی به (روی زمین) پراکنده کرد.

بنابراین، زن و مرد از نظر اصل، پیدایش و سرنوشت با یکدیگر کاملاً یکسانند. وجود انسانی آن دو کاملاً با یکدیگر برابر است که در همه حقوق مرتبط با هستی انسان، باهم برابرند. پس احترام به جان، مال، ناموس و کرامت شخص، ممنوعیت غیب یا بدگویی حضوری تجسس یا تجاوز به حریم فرد و یا همگی حقوق مشترکی هستند که در آن زن و مرد با یکدیگر تفاوتی ندارند.

در اینجا اسلام حق دارد به خاطر دادن شخصیت و جایگاه اقتصادی مستقل به زنان به خود افتخار

کنند. زیرا در پرتو اسلام زن خودش مستقیماً و بدون نیاز به واسطه و وکیل، حق مالکیت، دخل و تصرف در دارایی‌هایش، بهره گرفتن از آن و تعامل مستقیم و بدون واسطه با جامعه را داشت.

اسلام فقط به تحقیق شخصیت زن در مسئله‌ی حق مالکیت بسنده نکرد؛ بلکه آن را در مهمترین و حساس‌ترین مسئله در زندگی زن یعنی ازدواج به رسمیت شناخت؛ بنابراین، بدون اجازه زن نمی‌توان او را به عقد کسی در آورد. در غیر این صورت عقد صحیح نخواهد بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: لا تزوج الثیب حتى تستأمر ولا تزوج والبکر حتى تستأذن و اذنها صماتها (زن بیوه بدون مشورت با او یا در خواست او مبنی بر دستور به خواندن عقد به ازدواج کسی در نمی‌آید و زن باکره را نیز قبل از گرفتن اجازه از او نمی‌توان به عقد کسی در آورد و اجازه وی سکوتش است).

چنانچه که زن اعلام کند که موافق جاری کردن عقد نبوده است، عقد باطل است. بزرگ‌ترین مزیت اسلام، واقع بینی آن است که همواره فطرت بشر را در نظر گرفته و هیچگاه با اصول طبیعت انسانی مخالفت یا آن را از مجرای اصلی اش منحرف نکرده است. اسلام مردم را با پاک کردن نفس و بالا بردن جایگاه و ارزش آن فرا می‌خواند و در این امر به نمونه‌هایی دست می‌یابد که بیشتر به خیال و رؤیا شبیه است. اما در تهذیب نفس و دعوت مردم به پاک‌سازی درون، آن‌ها را به تغییر طبیعت اشیا دعوت نمی‌کند و بنا را بر امکان یا مفید بودن این گونه تغییرات برای بشریت قرار نمی‌دهد. بلکه به این امر ایمان دارد که بهترین خیر و سعادت که بشر می‌تواند بدان دست یابد، آن است که پس از تهذیب و اصلاح با فطرت اش سازگار باشد و جایگاه آدمی را بیراهه شهوت به سوی شأن واقعی شرافتمندانه اش بالا ببرد.

اسلام با شناخت کامل فطرت بشری در مسئله متساوی یا اختلاف زن و مرد، بر اساس روش واقع بینانه اش عمل می‌کنند و در مواردی که تساوی میان آن دو، روش صحیح فطرت است آن را به رسمیت می‌شناسد و زمانی که وجود تفاوت میان آنها با

فطرت صحیح و متناسب باشد میان آن دو، تفاوت قائل می‌شود. در اینجا بهتر است، یکی از مهم‌ترین موارد اختلاف زن و مرد را که مسئله تقسیم ارث و سرپرستی است مورد بررسی قرار دهیم. زیرا قرآن کریم (مهم‌ترین و اصلی‌ترین منبع قانون گذاری و دینی مسلمانان است) آمده است. (لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَىٰ) النساء. ۳

" سهم یک مرد از ارث به اندازه یی سهم دو زن است."

این امر یک حقیقت است، اگر چه اسلام از ارث سهم بیشتری به مرد داده است. اما در مقابل او را مجبور کرده است تا نیازهای مادی خانواده‌اش را تعیین کند. اسلام از زن نمی‌خواهد تا اموالش را برای دیگران خرج کند، مگر اینکه او تنها سرپرست خانواده‌اش باشد که در سایه نظام اسلام چنین حالت‌هایی بسیار اندک و نادر خواهد بود. زیرا مردان خویشاوندانش؛ مانند پدر، پدر بزرگ، عمو، دایی و... حتی اگر نسبت خویشاوندی هم با او نداشته باشند، مکلف به دادن نفقه با او هستند.

در عادلانه بودن قانون اسلام همین بس است که برای طرفین حقوقی را در نظر گرفته است. همچنین به زن حق داده است هر گاه احساس کند، زندگی با شوهرش به مودت و توافق مورد نظر منتهی نمی‌شود، در خواست طلاق کند؛ اما علی‌الرغم همه این جزئیات را نباید فراموش کرد که ناخوشایندترین امر حلال نزد خداوند، طلاق است. لازم است که بدانیم تعدد زوجات در اسلام نه یک اصل بلکه قانون فوق العاده است. (که برای مورد ضروری وضع شده است).

یک نویسنده مسیحی در مصر هر هفته مقالاتی را در هفته نامه منتشر می‌کرد و در آن به اسلام آشکارا و پنهان نیش و کنایه می‌زد و از آن انتقاد می‌کرد. چیزی نمانده بود، با صراحت به زنان بگوید. آداب و رسوم کهن خود را کنار بگذارید و از خانه‌هایتان خارج شوید و با جرأت و جسارت با مردم اختلاط کنید و علی‌الرغم بی‌نیازی مادی برای کار کردن به کارخانه‌ها و بازارها یورش ببرید تا آداب و رسومی که شما را برای مادر شدن و تربیت فرزندان می‌خواهند، به مبارزه بطلبید. این

نویسنده، می‌گفت زنان بدان علت در خیابان سر به زیر راه می‌روند که فاقد اعتماد به نفس هستند و بیم از مردان و جامعه، سراسر و جودشان را فرا گرفته است. اما زمانی که تجربه کسب می‌کنند برای مبارزه طلبی، سرشان را بالا می‌گیرند و با جرأت به مردان خیره می‌شوند. این در حالی است که در تاریخ روایت شده است. ام المؤمنین، عایشه (رض) که در صدر اسلام، در امور سیاسی شرکت و سپاهی راهبری کرده و در جنگ حضور یافته بود و با مردان از پشت پرده صحبت می‌کرد.

حیا و دیده از نامحرم فرو داشتن، اخلاقی بود که فقط به زنان اختصاص نداشت. تاریخ همچنین روایت می‌کند که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از دوشیزگان با حیاتر بودند. آیا امکان دارد، این امر به علت نداشتن اعتماد به نفس و عدم آگاهی از حقیقت رسالتش برای بشریت بوده باشد؟ هرگز، چه زمانی نویسندگان سرگردان و پریشان، دست از این یاهو سرایی‌ها بر می‌دارند؟ بی تردید زن شرقی در وضعیت بدی بسر می‌برد؛ اما راهش برای پیمودن راهی نیست که زن غربی پیموده است؛ زیرا زن غربی شرایط و انحرافات خاص خودش را دارد. راه‌ها برای اصلاح اشتباهات در زندگی زن و مرد، بازگشت به راه نظام اسلام است.

تنها راه نجات همه ما اعم از زن و مرد، پیر و جوان، فقط شریعت اسلام و ایمان آوردن به این راه است که باید همه تلاش، فکر و احساساتمان را در راه آن به کار بگیریم. در این صورت زمانی که به این رسالت آسمانی ایمان بیاوریم و برای عملی کردن آنچه که بدان ایمان داریم، تلاش کنیم که نظام اسلام بر ما حکم فرما خواهد شد و همه چیز بدون ظلم و طغیان بر جای خود باز خواهد گشت.

منابع

۱. قرآن کریم، سورة النساء، آیه ۱.
۲. صحیح البخاری و صحیح مسلم آن را روایت کرده‌اند.
۳. قرآن کریم، سورة النساء، آیه ۱۱.
۴. کتاب زن در اسلام، محمد قطب، ترجمه عبد الباسط عیسی زاده، چاپ ۱۳۹۵ ه. ش.



اتفاق در جرم

✍ وحید احمد «فضلی»

📖 دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه جامی

جدی برای جامعه تلقی می‌گردد، می‌تواند به عنوان یک پدیده جنایی خاص طرح شود. قانونگذاران افغانستان از جمله کشورهایی است که در رویکرد قانونگذاری خود این پدیده را به عنوان یک جرم معرفی کرده و برای آن مجازات تعیین کرده است. چگونگی فلسفه جرم دانستن اتفاق در جرم و ابعاد مختلف شکل‌گیری آن و نگاه سیستم حقوقی افغانستان به این پدیده جنایی موضوعاتی است که در این پژوهش سعی شده است به آنها پرداخته شود.

مقدمه

اتفاق در جرم عبارت از توافق دویا بیش از دو نفر برای

حکم اتفاق در جرم به عنوان یک پدیده جنائی در میان حقوقدانان مورد اختلاف قرار دارد، منشاء این اختلاف به آنجا بر می‌گردد که برخی از حقوقدانان با تکیه بر این بحث که به دلیل عدم موجودیت شروع به جرم و یا حتی سپری نمودن مراحل مقدماتی و تهیه وسایل نمی‌توان نسبت به موجودیت جرمی به نام «اتفاق در جرم» و همچنان پیچیدگی‌های ناشی از تفاوت میان عنصر مادی و معنوی جرم، مهر صحت گذاشت. به همین خاطر برخی از کشورها اتفاق در جرم را در نظام جزایی خود به عنوان یک جرم نمی‌پذیرند.

با این وجود، اما برخی براین باورند که اتفاق در جرم برای انجام برخی از جرایمی که به عنوان خطر

انجام عملی که قانونگذار انجام آن عمل را ممنوع کرده است، می‌باشد. به بیانی روشن‌تر تبانی عبارت از ساخت و ساز، قرارگذاشتن و تصمیم گرفتن چند شخص برای انجام کاری است. این عمل در ذات خود مضر نبوده؛ بلکه مفید نیز می‌باشد و لازمه زندگی اجتماعی امروزه و پیشرفت در جهان کنونی است؛ اما زمانی که این توافق برای انجام جرم و یا اعمال ممنوعه و ناروا باشد جایز نبوده و باید مورد پیگرد قرار گیرد.

توافقی که بین افراد برای انجام هر عملی به وجود می‌آید ضمن اینکه این افراد را جسورتر و مصمم‌تر برای انجام آن عمل می‌سازد، بلکه زمینه توفیق و دست یافتن افراد به نتیجه عمل را بیشتر می‌سازد. ازسوی دیگر نتیجه این عمل به مراتب مؤثرتر از عملی است که افراد به شکل انفرادی انجام می‌دهند. این فرض را در مورد توافق برای انجام جرم نیز می‌توان در نظر گرفت.

اکثریت نظام‌های حقوقی دنیا این اتفاق را جرم می‌دانند، اما عده‌ای نیز خلاف این راهکاری را روی دست گرفته‌اند، علت این است که تفاوت قائل شدن بین عنصر مادی و معنوی این جرم بسیار مشکل و بسا پیچیده می‌نماید، روی این ملحوظ مخالفان جرم دانستن این عمل را استدلال می‌نمایند که اتفاق در جرم عبارت از قصد مجرمانه جرم مورد نظر بوده و با جرم دانستن آن یکی از اصول حقوقی که همانا جرم نبودن مجرد قصد مجرمانه است نادیده گرفته می‌شود؛ اما در واقع این استدلال صحیح نیست، زیرا همین توافق زمانی حاصل می‌شود که اراده هرکدام از موافقان به نحوی از انحاء و به طریقی از طرق در عامل خارج اظهار شود، که

همین اظهار اراده این عمل را از عالم باطن و نامرئی خارج ساخته و وارد عالم مادی و قابل درک می‌سازد.

پیشینه تحقیقات در باره اتفاق در جرم بسیار اندک می‌باشد، شاید یکی از علت‌های آن این باشد که قوانین به صورت بسیار فشرده به این موضوع پرداخته‌است، به طور مثال گدجزای مصوب ۱۳۹۶ تنها در سه ماده به این موضوع پرداخته است. با این وجود اما نبود پژوهش همه جانبه در زمینه این نوع از رفتار جرمی و عدم بررسی همه جانبه آن در کتب حقوقی به ویژه در افغانستان، به نظر می‌رسد نگاه علمی به آن در پرتو گدجزای جدید افغانستان ضرورتی باشد که دانشجویان حقوق کمتر به آن مواجه شده‌اند.

۱. ماهیت اتفاق در جرم

بسیاری از قوانین کشورها از جمله قانونگذار افغانستان اتفاق و تبانی افراد برای انجام جرم را جرم دانسته‌اند و برای آن جدای از جرم مورد نظر مجازات در نظر گرفته‌اند.

اتفاق در جرم عبارت از توافق دو یا چند نفر به منظور انجام جرم می‌باشد، گرچه هنوز به مرحله اجرا و انجام مراحل مقدماتی جرم نیز نرسیده باشد، و این اتفاق در جرم تا زمانی صحت دارد که هنوز شروع به جرم صورت نگرفته باشد، اتفاق در جرم در واقع همان شراکت در جرم است اما آن خصیصه‌ای که این دورا از یک دیگر جدا ساخته، اتفاق در جرم را قصد مجرمانه جلوه داده و آن را به عنوان یک جرم مورد اختلاف میان حقوق دانان بروز داده است این است که در اتفاق به جرم هنوز شروع به جرم صورت نگرفته است، یا به عبارت دیگر شراکت در جرم عبارت از مرحله تکامل یافته اتفاق در جرم است.

اتفاق در جرم از جمله جرائم مانع دسته‌بندی می‌شود. جرائم مانع جرایمی‌اند که به طور مستقیم باعث وقوع جرم و خطرات ناشی از آن نگردیده ولی دارای نوعی حالت خطرناک می‌باشد و این حالت خطرناک آن به مراتب شدیدتر و مخرب‌تر از جرمی است که به صورت مستقیم باعث وقوع نتیجه می‌گردد.

عده‌ای معتقدند که قانون‌گذاران با جرم

ظاهراً اتفاق در جرم به عنوان یک قصد مجرمانه می‌نماید و نمی‌توان آن را مجازات نمود چون ایجاد تفاوت بین عنصر مادی و معنوی آن بسا مشکل می‌نماید، اما در واقع چنین نیست با بررسی زوایای گوناگون آن می‌توان دریافت که این اتفاق دارای نوعی حالت بسیار خطرناک می‌باشد.



اتفاق در جرم از هر طریق ممکن امکان برگشت افراد از انجام جرم را به طور چشم‌گیری کاهش می‌دهد و چه بسا آن را به صفر تقلیل دهد و نه تنها اینکه امکان برگشت را کاهش می‌دهد بلکه این افراد را برای انجام جرم مورد اتفاق مصمم‌تر می‌سازد.

ب: جرمی که به اساس اتفاق بین چند نفر صورت پذیرد آثاری به مراتب مخرب و زیانباری نسبت به جرمی را به وجود می‌آورد که توسط یک نفر به وقوع پیوندد، چه بسا در برخی از سیستم‌های حقوقی قانونگذاران اتفاق برای انجام بعضی از جرایم را از جمله احوال مشدده پیش بینی کرده‌اند به طور مثال طبق ماده ۶۲۰ قانون مجازات اسلامی ایران در سه جرم، تظاهر و قدرت‌نمایی با چاقو، اخلال در نظم عمومی و مزاحمت برای اطفال و بانوان، توطئه قبلی و دسته‌جمعی باعث محکومیت به حد اکثر مجازات می‌گردد.

ج: اتفاق در جرم از هر طریق ممکن امکان برگشت افراد از انجام جرم را به طور چشم‌گیری کاهش می‌دهد و چه بسا آن را به صفر تقلیل دهد و نه تنها اینکه امکان برگشت را کاهش می‌دهد بلکه این افراد را برای انجام جرم مورد اتفاق مصمم‌تر می‌سازد.

د: علاوه بر اینها فلسفه جرم دانستن تبنانی و قابلیت تعقیب کیفری را باید در این نکته جستجو کرد که تبنانی در ارتکاب جرم ظرفیت جنایی را متراکم و فزونی می‌بخشد و موجبات تشویق و دلگرمی افراد را در ارتکاب جرم فراهم می‌سازد و زمینه وقوع پدیده جنایی را تمهید و تسهیل و تسریع بخشیده و مخاطرات ناشی از ارتکاب آن را به میزان قابل توجهی افزایش می‌دهد؛ به همین اعتبار است که جرایم بزرگ و مخاطره‌آمیزی همچون تروریسم، باندهای جنایت‌کار، قاچاقچیان مواد مخدر، گروه‌های ربایش و فروش انسان، توزیع‌کننده‌های سلاح‌های غیر مجاز و مخرب، توسعه‌دهندگان و ایجادکنندگان مراکز فساد

دانستن اتفاق در جرم یکی از اصول کلی حقوقی که همانا جرم نبودن قصد مجرمانه است را زیرپای نموده است، زیرا این عده معتقدند که اتفاق در جرم عبارت از قصد مجرمانه است، چون این قصد یک پدیده ذهنی بوده و نمی‌توان به آن دست یافت و از یکسو در اذهان همه افراد جامعه ظهور کند و همچنان اثر سوء بر جامعه وارد نمی‌کند؛ بناً نمی‌توان آن را جرم دانست، روی این ملحوظ برای رفع تردید فلسفه جرم دانستن آن را بررسی می‌نماییم.

۲. فلسفه جرم دانستن اتفاق در جرم

فلسفه، چرایی یا دلایل و علت‌های موجودیت ویا انجام یک عمل را مورد بررسی قرار می‌دهد، معمولاً هر پدیده و هر عمل دارای فلسفه می‌باشد و جرایم و مجازات‌ها نیز از این قاعده مستثنا نمی‌باشند، ولی طوری که آگاه هستید قانونگذار فلسفه جرم دانستن فعل ویا ترک فعل را ذکر نمی‌کند و حتی دکتترین حقوقی نیز جزء در موارد خیلی محدود فلسفه جرم دانستن اکثر جرایم را به بحث نمی‌گیرند، ولی چون اتفاق در جرم یکی از جرایم مورد اختلاف میان حقوق دانان می‌باشد بناً لازم است تا فلسفه جرم دانستن آن بررسی شود.

ظاهراً اتفاق در جرم به عنوان یک قصد مجرمانه می‌نماید و نمی‌توان آن را مجازات نمود چون ایجاد تفاوت بین عنصر مادی و معنوی آن بسا مشکل می‌نماید، اما در واقع چنین نیست با بررسی زوایای گوناگون آن می‌توان دریافت که این اتفاق دارای نوعی حالت بسیار خطرناک می‌باشد.

الف: زیرا اتفاق بین دو یا چند نفر، این افراد را برای انجام جرم جسورتر می‌سازد و حتی شاید این افراد به تنهایی جسارت انجام عمل مورد اتفاق را نداشته باشند ولی با این اتفاق به میان آمده جسارت لازمه را به دست آورده و گام به انجام آن بردارند، این فرض در مورد جرایم نیز صادق است، چه بسا مواردی که افراد به تنهایی جسارت انجام جرم مورد نظر خود را ندارند ولی زمانی که با یکدیگر برای انجام جرم توافق انجام می‌دهند جسارت به مراتب فوق‌العاده برای انجام جرم می‌یابند که جبران ناپذیر است.

و فحشاء بین المللی و امثال آن، جاعلان اسکناس و در مقیاس کوچکتر معاونت در شرکت در انجام جرایم عادی از طریق تبانی صورت می‌گیرد (سالاری، ۱۳۸۷، ص ۲۶۵)

۳. عنصر مادی اتفاق در جرم

عنصر مادی جرم عبارت از مرحله اجرائی جرم مورد نظر می‌باشد، گد جزای افغانستان عنصر مادی را چنین تعریف می‌نماید "عنصر مادی جرم عبارت است از ارتکاب عمل خلاف قانون یا امتناع از اجرای عملی که قانون به آن حکم نموده است به نحوی که ارتکاب یا امتناع منجر به نتیجه جرمی گردیده و رابطه سببیت میان عمل و نتیجه موجود باشد" (ماده ۳۳، گد جزا، مصوب ۱۳۹۶ ه ش). عنصر مادی به این مفهوم است، عملی که توسطه شریعت اسلامی و یا قانون جزا، جرم پنداشته شده باشد، باید عملاً و ماداً اجرا شده باشد، و یا حداقل به اجرای آن شروع شده باشد. (دانش، ۱۳۹۴: ۱۷۳). به طور خلاصه عنصر مادی عبارت از ظهور اندیشه مجرمانه به بیرون است.

ظاهراً چنین به نظر می‌رسد که اتفاق در جرم نوعی قصد مجرمانه است که قابل مجازات نمی‌باشد، اما در اصل چنین نیست بعد از اینکه افراد قصد مجرمانه را در ذهن پروراندند، به دنبال اجرائی نمودن آن می‌شوند و برای انجام این منظور لازم است تا اراده خود را به نحوی از انحا ابراز نمایند، چگونگی ابراز اراده مهم نیست مثلاً از طریق تجمع در یک مکان و یا از طریق تلفنی و یا طرق دیگری که بتوان ایجاب و قبول نمود و یا اراده خود را انتقال داده می‌تواند توافقه صورت یابد، اما آنچه که مهم است

این است که اعمالی در ظاهر رخ دهد که بتواند ما را به وجود چنین قصدی راهنمایی نماید، اعمالی مانند جمع شدن در یک مکان، باهم جلسه گذاشتن، بحث و اظهار نظر، رأی گیری کردن، اتخاذ تصمیم و امثال آن که حکایت از وجود چنین اراده‌ای داشته باشند، این‌ها همه مراحل مقدماتی این جرم بوده، آنچه که دلالت بر مجرم بودن این افراد می‌کند توافقی است که بین این افراد به وقوع پیوسته است، به عبارتی دیگر زمانی که افراد بعد از بحث و اظهار نظر، روی تمام شرایط و چگونگی‌های انجام جرم توافق نمایند، عنصر مادی این جرم همین توافق است که بین آنها به منظور انجام جرم صورت گرفته است. چگونگی مصادیق اتفاق در جرم در عنصر مادی به اشکال ذیل می‌تواند تحقق پذیرد.

رفتار مجرمانه در اتفاق جرم

عنصر مادی اتفاق در جرم تنها به صورت فعل می‌تواند تحقق یابد، چون لازمه به وقوع پیوستن اتفاق در جرم توافقی است که بین دو و یا بیش از دو نفر به وجود می‌آید، و توافق عبارت از فعلی است که با ترک فعل مانند (عدم اعطای نفقه) و یا حالت مانند (ولگردی)، تحقق نمی‌یابد؛ بنابراین می‌توان گفت که اتفاق در جرم با فعل مثبت تحقق یافته است.

شروع به جرم در اتفاق جرم

"شروع به جرم عبارت است از آغاز به اجرای عمل به قصد ارتکاب جنایت یا جنحه به نحوی که نظر به اسباب خارج از اراده فاعل آثار آن، متوقف یا خنثی شده باشد" (ماده ۴۷، گد جزا، مصوب ۱۳۹۶) قاعداً اگر شروع به جرم را آغاز عملیات اجرائی جرم بدانیم پس شروع به اتفاق نیز می‌تواند متصور باشد، اما حکم این موضوع بستگی به شرایط و قضا دارد مثلاً در بعضی مواردی که اعضا در کار خود مهارت کافی دارند نیل به تصمیم مشترک در زمانی بسیار کوتاه و حتی بدون حضور فیزیکی و با ارتباط تلفنی انجام می‌شود. در این موارد به دلیل کوتاه بودن پروسه اتفاق، شروع به اتفاق کمتر امکان تحقق می‌یابد (سیغانی، ص ۱۰۰).

گد جزای افغانستان عنصر مادی را چنین تعریف می‌نماید "عنصر مادی جرم عبارت است از ارتکاب عمل خلاف قانون یا امتناع از اجرای عملی که قانون به آن حکم نموده است به نحوی که ارتکاب یا امتناع منجر به نتیجه جرمی گردیده و رابطه سببیت میان عمل و نتیجه موجود باشد"

توافق با شخص معین و یا افراد غیر معین

طبیعت اتفاق در جرم چنین است که هرگاه افراد روی تمام شرایط و چگونگی‌های انجام جرم با یکدیگر توافق کنند به وجود می‌آید، بناءً هرگاه فردی بانوشتن مقاله‌ای عموم مردم را برای تجمع دعوت کند و این افراد جمع شوند در این صورت توافق محقق نشده است زیرا مخاطب شخص دعوت کننده مشخص نبوده است و از سوی دیگر هدف دعوت کننده از دعوت و تجمع قابل درک نبوده است، در این صورت نمی‌توان توافق در جرم را محقق دانست، ولی در صورتی که کدام عمل جرمی انجام دهند در برابر آن مسئول می‌باشند. (فصلنامه دانش انتظامی - سال - شانزدهم. شماره اول. ایران).

سلب وصف مجرمانه از موضوع جرم

سؤال این است که هرگاه دو و یا چند نفر به منظور انجام جرمی توافق کنند، اما قبل از ارتکاب جرم مورد توافق موضوع توسط نهادهای مربوطه کشف شود، تکلیف چیست؟

فقره سوم ماده ۱۷ کُد جزا بیان می‌دارد "هرگاه قبل و یا بعد از صدور حکم قطعی، قانونی نافذ گردد که به موجب آن عملی را که متهم به ارتکاب آن محکوم به جزا گردیده است، قابل مجازات نداند، تنفیذ حکم متوقف و آثار جزایی مرتبط به آن از بین می‌رود." بر این مبنا هرگاه قانونگذار وصف جرم عملی را از بین ببرد، در این صورت اتفاق برای انجام آن عمل نیز جرم نمی‌باشد. این قاعده در هر صورت چه حکم مبنی بر محکومیت صادر شده باشد چه نشده باشد قابلیت اجرا می‌گردد. این سلب وصف جرمی هرگاه قبل از صدور حکم باشد، متفقین مجازات نمی‌گردند و هرگاه بعد از صدور حکم و در هنگام سپری شدن دوره مجازات باشد، اجرای مجازات متوقف گردیده و اشخاص برائت حاصل می‌نمایند.

انواع اتفاق در جرم

انواع اتفاق در جرم براساس عنصر مادی آن مشخص می‌شود و به سه نوع می‌باشد:



"هرگاه قبل و یا بعد از صدور حکم قطعی، قانونی نافذ گردد که به موجب آن عملی را که متهم به ارتکاب آن محکوم به جزا گردیده است، قابل مجازات نداند، تنفیذ حکم متوقف و آثار جزایی مرتبط به آن از بین می‌رود."

توافق چرخشی. در توافق چرخشی یک تن از اعضای گروه به گونه جداگانه با تک تک از افراد گروه ملاقات کرده و رضایت آنها را جلب می‌کند.

توافق زنجیره‌ای. در این توافق هر کدام از افراد گروه به گونه زنجیره‌ای نفر اول به نفر دوم، نفر دوم به نفر سوم الی اخیر با یکدیگر توافق نموده و رضایت یکدیگر را کسب می‌نمایند.

توافق جمعی. در این نوع توافق تمام افراد گروه در یک مکان جمع شده و برای انجام جرم با یکدیگر توافق می‌نمایند.

۴. عنصر معنوی اتفاق در جرم

عنصر معنوی عبارت از دخیل بودن اراده یک شخص در عمل جرمی است (دانش، ۱۳۹۴، ص ۱۹۳). عنصر معنوی که به نام عنصر روانی نیز یاد می‌شود، عبارت از اراده و یا عدم اراده شخص برای ارتکاب جرم است، این عنصر در جرایم عمدی به صورت قصد مجرمانه و در جرایم غیرعمدی به صورت تقصیر و خطا بروز می‌کند، غلام حیدر علامه، بعد از توضیحاتی می‌گوید فورمول ذیل را می‌توان برای عنصر معنوی در نظر گرفت.

عنصر معنوی = اراده ارتکاب + قصد جرمی (در جرایم عمدی)
یا خطای جزایی. (در جرایم غیر عمدی)،
(علامه، ۱۳۹۴: ۱۰۹)

دو نکته را در عنصر معنوی اتفاق در جرم می‌توان در نظر گرفت:

قصد حصول توافق. برای تحقق جرم تبانی لازم است که طرفین قصد حصول توافق را داشته باشند، بر این اساس هرگاه شخص در حالتی مانند: جنون،

بی‌هوشی، مستی و غیره پیشنهاد اتفاق در جرم را به طرف مقابل بدهد با

اینکه شخص مخاطب قبول کند بازهم توافق محقق نشده است و بالعکس.

علم به اینکه توافق به منظور انجام جرم است. در تمام نظام‌های حقوقی این قاعده وجود دارد که بی‌خبری از قانون جرم پنداشته نمی‌شود، حال استدلال متفقین مبنی بر اینکه از حکم موضوع آگاهی نداشته‌اند عذر پنداشته نمی‌شود. اما عدم آگاهی از اینکه موضوع توافق جرم است یا خیر بحثی است جدا، هرگاه شخص اول به طور مبهم شخص مخاطب را به توافق دعوت نماید و شخص مخاطب دعوت او را لیبیک بگوید در این صورت شخص مخاطب مرتکب جرم نگردیده است. مثال شخص الف از شخص ب بخواهد که در زمان مشخص و در مکان مشخص حضور یابد؛ ولی منظور از حضور یافتن را مشخص نکند و شخص ب در زمان مشخص شده در مکان مشخص شده حضور یابد و در همین موقع مشخص شود که هدف از حضور یافتن سرقت می‌باشد در این صورت شخص ب مرتکب به اتفاق در جرم نگردیده است.

۵. عنصر قانونی اتفاق در جرم

عنصر قانونی جرم به این معنی است که افراد آزادی عمل را در محدوده پیش بینی شده توسط قانون دارا هستند. برای اینکه عملی جرم محسوب شود لازم است که اولاً از طرف قانون به عنوان جرم پیش بینی و مجازات یا تدابیر امنیتی برای آن تعیین شده باشد (عنصر قانونی)، (علامه، ۱۳۹۴: ۵۳). «هیچ عملی جرم شمرده نمی‌شود، مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن، نافذ گردیده باشد.» (فقره ۱، ماده ۷،

هرگاه شخص اول به طور مبهم شخص مخاطب را به توافق دعوت نماید و شخص مخاطب دعوت او را لیبیک بگوید در این صورت شخص مخاطب مرتکب جرم نگردیده است.

کدجزا، ۱۳۹۶ ش)

اولین عنصر تشکیل دهنده جرم عبارت از عنصر قانونی آن می‌باشد، اما هدف از تبیین آن در این قسمت این است تا دیدگاه قانونگذار افغانستان بر اساس جدیدترین قانون جزای افغانستان یعنی کدجزای مصوب ۲۶ دلو ۱۳۹۶ در مورد اتفاق در جرم به عنوان بخش تکمیلی و پایانی بحث مورد بررسی قرار گیرد، در این بخش موضوعاتی مانند تعریف اتفاق در جرم بر اساس کد جزا، شرایط آن و سایر موارد مربوط به بحث بررسی خواهد شد.

تعریف اتفاق در جرم بر اساس کدجزا

تعاریف متعددی در فوق در باره اتفاق در جرم ذکر گردید؛ ولی در این بخش تعریفی که کدجزای افغانستان از آن ارائه کرده ذکر می‌گردد، «اتفاق در جرم عبارت است از اتحاد منظم و پیهم دو یا بیش از دو شخص به منظور ارتکاب جنحه یا جنایت.» (ماده ۷۰، کدجزا، مصوب ۱۳۹۶).

شرایط اتفاق در جرم

شرایط اتفاق در جرم براساس ماده ۷۰ کدجزا عبارتند از: دو یا بیش از دو نفر. ماهیت این جرم چنین است که براساس تجمع دو یا بیش از دو نفر به وقوع می‌پیوندد، زیرا بر اساس توافق این افراد به وجود می‌آید.

اتحاد منظم. این توافق باید از قاعده نظم برخوردار باشد، به این توضیح که مخاطب باید به آنچه که از طرف درخواست کننده ابراز می‌شود رضایت بدهد، در غیر این صورت اتفاق در جرم نمی‌تواند تحقق یابد. مثال اگر شخص درخواست کننده همکاری برای انجام جرم قتل را درخواست کرده باشد اما مخاطب به انجام جرم سرقت رضایت داده باشد، در این صورت نمی‌توان اتفاق در جرم را محقق دانست.

پی‌هم. منظور از پی‌هم این است که بین درخواست و ابراز رضایت نباید فاصله زیاد وجود داشته باشد، به عبارت دیگر درخواست دعوت کننده دارای تاریخ انقضا است. اما مشکل اینجاست

که قانونگذار افغانستان این مدت را مشخص نکرده است.

توافق برای جنایت یا جنحه. اتفاق در جرم دارای پیگرد قانونی است که به منظور انجام جرایمی به شدت جنایت و یا جنحه صورت گرفته باشد، به عبارت دیگر توافق به منظور انجام قباحت قابل مجازات نمی باشد.

مجازات اتفاق در جرم

از آنجایی که هدف از ابتدای بحث تا اکنون بر این استوار است که اتفاق در جرم عبارت از یک جرم مستقل می باشد، بناءً قانونگذار نیز برای آن بدون در نظر گرفتن نوع جرم، فقط بر اساس شدت و خفت به آن مجازات تعیین کرده است. ماده ۷۱ گدجزا مصوب ۱۳۹۶ بیان می دارد «مرتکب اتفاق در جنحه، به حبس قصیر و در جنایت به حبس متوسط محکوم می گردد...»

معافیت در صورت اطلاع دهی

ماده ۷۲ گدجزا برای افرادی که از اتفاق به وجود آمده به نهادهای مربوطه اطلاع دهند معافیت در نظر گرفته است، اما مشروط بر این که:

اطلاع دهی قبل از انجام جرم مورد اتفاق باشد.

اطلاع شخص باید باعث تثبیت هویت افراد متهمی گردد که قبلاً هویت آنان نزد نهادهای مربوطه ثبت نبوده باشد، در این چنین صورتی شخص اطلاع دهنده از مجازات معاف می گردد.

۶. نتیجه گیری

حاصل آنچه که به عنوان نتیجه می توان از مباحث ارائه شده به دست آورد آن است که اتفاق در جرم عبارت از توافق دو یا بیش از دو نفر به منظور انجام جنایت و یا جنحه است، و فلسفه جرم دانستن آن نیز این است که

افرادی در جامعه وجود دارند که به تنهایی جسارت و توانایی انجام جرم را ندارند اما وقتی در جمع قرار می گیرند حداکثر جسارت به منظور انجام جرم را به دست می آورند، همچنان باند ها و گروه های خلاف کار در جامعه وجود دارند که با توافق قبلی بین یکدیگر منتظر فرصت برای انجام جرم اند، و این جرایمی که به این صورت تحقق یابد به مراتب آثار مخرب تری نسبت به جرایمی دارد که به صورت فردی تحقق یابد. بناءً مطلوب نیست که قانون گذار منتظر انجام این جرایم به منظور مجازات آنها باشد، بلکه باید برای جلوگیری از آثار آنها پیشتر وارد اقدام شده و با شناختن آنها به عنوان جرم مستقل از خطراتی که قرار است بر پیکر جامعه وارد گردد جلوگیری کند.

منابع و مأخذ

۱. دانش، حفیظ الله، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، کابل: انتشارات سیرت، ۱۳۹۴
۲. سیغانی، محمداختر، حقوق جزای عمومی، کابل: انتشارات مستقبل، چاپ اول عقرب ۱۳۹۳ ش
۳. صدر، محمد، رهنمود ماکس پلانک برای حقوق جزای عمومی افغانستان، کابل: چاپ سوم، با اصلاحات، بهار ۱۳۸۸ ش.
۴. علامه، غلام حیدر، حقوق جزای عمومی افغانستان، کابل: انتشارات دانشگاه ابن سینا، ۱۳۹۴ ش.
۵. فصلنامه دانش انتظامی، ایران، سال شانزدهم، شماره اول.
۶. گد جزای افغانستان، مصوب ۲۶ دلو ۱۳۹۶.
۷. www.moj.gov.af
۸. <https://supremecourt.gov.af>
۹. <https://wikipedeia.org>



هشیدار H Images
Asif You

کلکسیون‌های ملی و مراکز انکشاف میوه‌جات و مغز باب افغانستان



جاوید (غفوری)

محصل پوهنځی زراعت دانشگاه جامی

مقدمه

جمع‌آوری و نگهداری جرم‌پلازم انواع میوه‌جات عمده آغاز گردیده است که به این ترتیب نگهداری جرم‌پلازم افغانستان بنابر دلایل موجه ضروری و مهم پنداشته می‌شود. حفات تنوع ژنتیکی، مطالعه مواد ژنتیکی محلی، انواع بهره‌برداري ناشده و انتخاب انواع مناسب به این مناطق در مجموع در کلکسیون‌های منابع ژنتیکی باغداری و ارزیابی مشخصات، نقاط قوت و ضعف آنها به منظور شناسائی نیازمندی‌های مدیریتی برای نگهداری جرم‌پلازم نباتات باغی که به طور مؤثر از آنها بهره‌برداري صورت گیرد.

بر اساس معلومات از سوابق تاریخی انواع انگور، انار، سیب، بادام، زردآلو و پسته ابتدا از افغانستان منشأ گرفته‌اند. با در نظر گرفتن غنای منابع ژنتیکی این مناطق از لحاظ مغز باب و میوه‌جات متذکره، امکانات زیاد تخریب منابع ارزشمند ژنتیکی این ژن‌ها وجود دارد و هم‌چنان باعث از بین رفتن وراثتی‌های خیلی خوبی که دارای منشأ مختلف جغرافیایی است می‌گردد؛ بنابراین تشریح خصوصیات، ارزیابی و نگهداری جرم‌پلازم موجود در کلکسیون‌ها از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

به منظور سهولت در چنین مقایسه، یک بررسی تاریخی منابع ژنتیکی گیاهی (PGR) در مدت زمان جمع آوری جرم پلازم افغانستان تلاش‌های در جهت ایجاد رویکردها و طرز العمل‌هایی برای حفات جرم پلازم صورت گرفت.

جرم پلازم میوه‌جات و مغزباب افغانستان (کلکسیون ملی) متشکل از درختان زنده می‌باشد. هر اکسیژن از درخت جداگانه (In situ) تشکیل یافته که به واسطه تکثیر زوجی تکثیر می‌شود. درختان In situ بومی بنابر کیفیت عالی‌شان انتخاب گردیده و نهال‌های تکثیر شده توسط تکثیر زوجی‌شان به شکل ex situ در شش مرکز انکشاف باغداری غرس گردیده‌اند.

تنظیم روش‌های علمی جهت تعیین اولویت‌های نگهداری کلکسیون ملی یکی از فعالیت‌های عمده به شمار می‌رود. سپس توجه روی انواع کوچک و انواع وحشی معطوف خواهد شد که از اهمیت پایین اقتصادی برخوردار اند؛ ولی در مناطق بومی‌شان دارای مفاد عالی تغذی می‌باشد. بر علاوه کلکسیون‌ها در مناطقی تأسیس می‌شوند که در آنجا بعضی از انواع به صورت سریع و دوامدار از لحاظ ژنتیکی تخریب می‌شوند.

انکشاف کلکسیون ملی میوه‌جات و مغزباب (منابع ژنتیکی) افغانستان مراحل مختلف را چون سروی ابتدایی in situ تعیین هویت، لیبل گذاری و جمع آوری قلمه از درخت‌های معین in situ جهت تأسیس (ex situ کلکسیون ملی طی) می‌نمایند.

کلکسیون ملی وراثتی‌های میوه‌جات و مغزباب افغانستان مجموعه‌ای از درختان و تاک‌ها می‌باشد که از وراثتی‌های میوه‌جات و مغزباب افغانستان نمایندگی می‌کند.

کلکسیون ملی آلو در کابل

اهداف کلکسیون ملی

وراثتی‌های میوه‌جات و مغزباب از نقاط گوناگون کشور جمع آوری و در یک جای گذاشته شده و باهم دیگر

مقایسه می‌شوند، از میان آنها بهترین وراثتی‌ها برای تکثیر به سایر نقاط کشور انتخاب می‌شوند.

بیشتر از هزار وراثتی در کلکسیون ملی وجود داشته که هنوز هم کار بالای دور نمودن وراثتی‌های تکراری و دارای نام‌های اشتباه جریان دارد، و همچنان اکسیژن‌های جدید جمع آوری می‌شود. وراثتی‌های خارجی در کلکسیون ملی شامل شده‌اند. امکان دارد صدها سال قبل انواع زیادی معرفی شده باشند و باید وراثتی‌های افغانی دانسته شوند. تعداد زیادی بیست تا چهل سال قبل معرفی شده و از طریق پروژه‌های مختلف انتشار یافته‌اند و از باغداران مختلف به کلکسیون ملی آورده شده‌اند. این وراثتی‌ها دارای نام اصلی وراثتی می‌باشد که بسی دارای نام‌های جدید بوده و یا در نام‌های آنها اشتباهات وجود دارد. از سال ۲۰۰۳ به این سو وراثتی‌ها به واسطه پروژه‌های مختلف معرفی شده‌اند که در کلکسیون ملی تحت اسناد وارداتی شامل شده‌اند که بنابراین کلکسیون ملی درختان in situ این Accession ها را ندارد. پروژه انکشاف باغداری واردات اکثر وراثتی‌های ستروس در کلکسیون ملی، بعضی شفتالوها و شلیل‌ها را برای جلال آباد و بعضی پایه‌های مادّی جدید را تنظیم نموده است.

موقعیت کلکسیون ملی

کلکسیون ملی به شش مرکز انکشاف باغداری در فارم‌های تحقیقاتی وزارت زراعت آبیاری و مالرداری تقسیم گردیده است نظر به لیست ذیل:

- فارم بادام باغ کابل سیب
- ناک، گیلاس، زردآلو و آلو
- فارم جدید جلال آباد انار، ستروس (نارنج، لیمو و غیره)
- فارم کوکران قندهار شفتالو، آلو، انگور و انار
- فارم اردوخان هرات شفتالو، آلو،
- فارم دهدادی مزار زردآلو و بادام
- فارم مرکزی کندز سیب، ناک و بادام



دلایل تقسیمات کلکسیون ملی به شش مرکز

جداگانه

مراکز مختلف در نقاط گوناگون کشور زون‌های اگرواکولوژیکی که دارای شرایط اقلیمی متفاوت می‌باشند را نشان می‌دهند. هریک از کلکسیون‌های چون بادام، شفتالو، گیلاس در مراکز جابجا شده‌اند که به بهترین شکل رشد و نمو نمایند. که این جاها مناطقی‌اند که می‌توان در اکثر باغ‌های آن نباتات را پیدانمود.

دلایل تأسیس کلکسیون ملی در دو محل

کلکسیون به خاطر ارائه معلومات در باره عکس العمل وراثتی‌های مختلف در برابر اقلیم‌های مختلف و به خاطر شرایط امنیتی در دو جای تأسیس می‌شود. کلکسیون وراثتی‌ها دارای اهمیت زیاد بوده و همیشه خطر امراض و آفات، هوای خراب و کمبود آب که باعث صدمه به درختان یا تاک‌ها می‌شود آنها را تهدید می‌نماید.

ملکیت کلکسیون‌های ملی

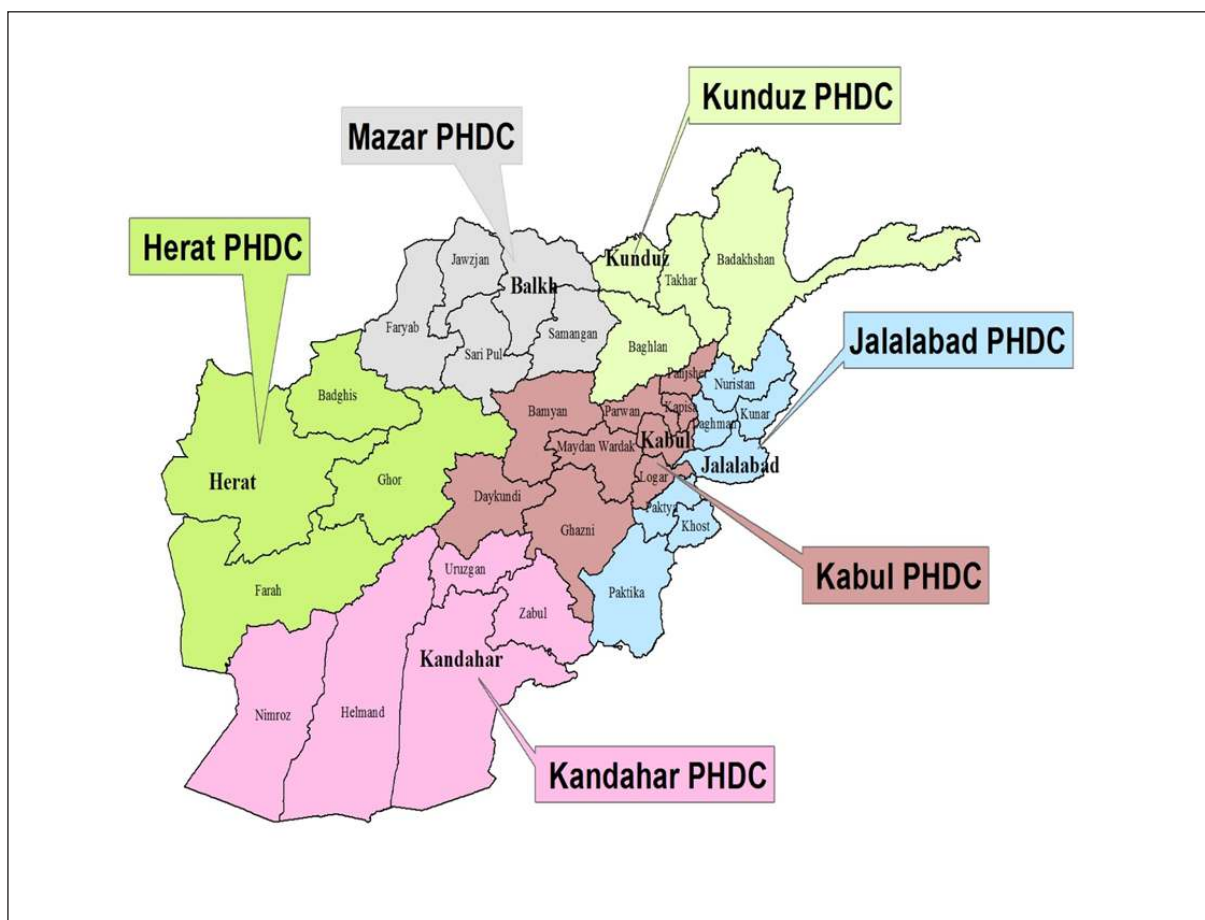
تمام درختان و تاک‌های کلکسیون ملی در مراکز انکشاف باغداری مربوط وزارت زراعت آبیاری و مالداري (MAIL) می‌باشد، بدین لحاظ کلکسیون‌ها مربوط وزارت متذکره می‌باشد. به هر حال تمام مواد نباتی به واسطه باغداران و قریه داران آماده شده، بناءً باید به این باور باشیم که MAIL کلکسیون را برای صنعت باغداری در عموم برای کشور نگهداری می‌نمایند.

مدیریت کلکسیون‌های ملی

هر مرکز انکشاف باغداری مدیر مجرب دارد که مواظب تمام درخت‌ها و تاک‌ها می‌باشد و از این که به صورت مناسب غرس گردیده‌اند، شاخه بری مناسب شده‌اند، به صورت درست خیشاوه شده‌اند، کود مناسب داده شده‌اند و اینکه عاری از امراض و آفات نگهداری شده‌اند مراقبت می‌نماید. متصدی کلکسیون ملی مسئول سرپرستی از کلکسیون و ذخیره معلومات درباره وراثتی‌های کلکسیون می‌باشد و یکجا با کارشناسان نباتات روی اتخاذ تصمیم تعیین هویت اکسیژن‌ها، دور نمودن وراثتی‌های تکراری، پروگرام جمع آوری اکسیژن‌های جدید، توزیع مواد نباتی به قوریه داران و غیره کار می‌نماید.

اکسیژن چیست؟

یک اصطلاح تخنیکی است که برای تشریح نمونه‌های جداگانه که از باغ جمع آوری شده است به کار می‌رود. تا که یک اکسیژن تشریح نشود و با سایر اکسیژن‌ها در کلکسیون مقایسه نشود ممکن نیست گفته شود که این وراثتی جداگانه است یا نیست و یا مشابه به وراثتی که قبلاً جمع آوری شده‌اند می‌باشد. در کلکسیون بادام اکسیژن‌های نمبر ۱۰۰۱، ۱۶۸، ۷۷۱ ستاربابی را از ولسوالی‌های مختلف جمع آوری گردید. وقتی که درختان، برگ‌ها و میوه‌ها را مقایسه نمودند دریافتند که آنها عین وراثتی‌اند و آن اکسیژن‌ها را به حیث یک وراثتی به نام ستاربابی ممتاز تغییر نام دادند.



گالانس آر. ۱۹۹۷. 441129.136 (ISHS) Acta Hortic.
http://www.actahort.org/books/441/441_16.htm

4. THE IMPORTANCE OF GERMPLASM PRESERVATION AND USE FOR TEMPERATE ZONE FRUIT PRODUCTION IN THE TROPICS AND SUBTROPICS. Acta Hortic. (ISHS) 56525.32
http://www.actahort.org/books/565/565_2.htm

5. Procedures for the Management of the National Collections of Fruit Varieties of Afghanistan, Perennial Horticulture Development Project. www.afghanistanhorticulture.org
http://www.actahort.org/books/760/760_2.htm 6.

روند کلکسیون ملی در زمان پیرشدن درختان

بلاخره تمام درختان کلکسیون ملی پیر می شود و ناگزیر کلکسیون باید دوباره غرس و یا از نو ایجاد شود. قلمه از درختان یا تاک‌های کلکسیون ملی گرفته می شود و درختان و تاک‌های جدید تولید می شود تا در صورت ضرورت در ساحه جدید غرس شوند.

منابع و مآخذ

۱. ماستر پلان وزارت زراعت آبیاری و مالداری، سال ۲۰۰۶
۲. کلکسیون‌های منابع ژنتیکی باغداری، خصوصیات، قوت‌ها و ضعف‌های آنها ۲۰۰۷. Acta Hortic. (ISHS) 76033.42
۳. اهمیت جرم ویلازم و ارزیابی درختان میوه بومی.



تب خون دهنده کریمه کنگو (CCHF)



سید محبوب سادات

محصل سمستر ششم طب معالجوی دانشگاه جامی

در سال ۱۹۶۹ مشخص شد که عامل ایجاد کننده تب خونریزی دهنده با ادغام نام دو محل یک نام واحد کریمه کنگو برای مریضی ویروسی بدست آمد. افغانستان در سال ۱۹۷۰ تب خونریزی دهنده ویروسی کریمه کنگو با ابتلا ۱۹ نفر و مرگ ۱۲ نفر گزارش شده است، همچنین در سال ۲۰۰۰، میلادی ۲۵ مورد مریضی همراه با مرگ ۱۵ نفر نیز گزارش شده است.

تاریخچه مریضی تب خونریزی دهنده کریمه

تاریخچه مریضی تب خونریزی دهنده کریمین

Crimean Congo Hemorrhagic Fever کنگو

اولین مورد توصیف شده مریضی در منطقه کریمه در سال ۱۹۴۲ یعنی دو سال قبل از اپیدمی کریمه رخ داده است.

در سال ۱۹۴۴ در خلال جنگ جهانی دوم مریضی در شبه جزیره کریمین اُکراین (اتحاد شوروی سابق) شیوع و باعث مرگ بیش از ۲۰۰ نفر دهاقین و سربازان گردید.

در سال ۱۹۵۶ مریضی در منطقه کنگو (زئیر) شیوع شد و بعنوان ویروس کنگو نامگذاری گردید.



کنگو (CCHF) در ولایت هرات

این بیماری برای بار اول در سال ۱۹۷۰ م در افغانستان گزارش شده است. و در سال ۲۰۰۰ م در ولایت هرات ثبت و گزارش شده بود، که در همان سال به تعداد ۲۵ مورد این بیماری ثبت شده و از جمله ۲۵ تن مصاب شدگان ۱۵ تن جان خود را از دست دادند. بعد از گذشت چند سال دوباره این بیماری در سال ۲۰۰۷ م در ولسوالی غوریان ولایت هرات گزارش شده بود که ۲ تن به این بیماری مصاب شده بودند. به همین ترتیب در سال ۲۰۰۸ م این بیماری در ولسوالی های انجیل، زنده جان، کرخ، پشتون زرغون، گذره، شیندند، تورغندی، اوبه، گلران، کهسان و رباط سنگی گزارش شده بود، که حدوداً ۱۵ مرد و ۱۲ زن که مجموعاً ۲۷ تن می شوند، مصاب شده بودند. که به تعداد ۳ زن و ۷ مرد مصاب به مرگ شدند.

در سال ۲۰۰۹ م در ولسوالی های انجیل، پشتون زرغون، گذره، گلران، رباط سنگی و غوریان گزارش شده بود، که به تعداد ۸ زن و ۳ مرد مصاب شده بودند. که از جمله مصاب شدگان سرانجام به مرگ یک زن انجامید.

تعریف مریضی

تب خونریزی دهنده کریمیه کنگو (CCHF) یک مریضی خونریزی دهنده تب دار حاد است که به وسیله کنه منتقل می شود و در آسیا، اروپا، آفریقا وجود دارد. مرگ و میر بالا و همه گیری های داخل شفاخانه ای آن نیز زیاد است. با وجودی که مریضی مخصوص حیوانات است ولی موارد تک گیر و همه گیری های ناگهانی این مریضی در انسان ها نیز اتفاق می افتد.

عامل

عامل مریضی CCHF ویروسی از گروه آربوویروس خانواده بونیویریده جنس نایرو ویروس که تحت عنوان ویروس های Arthropod borne Virus می باشد. شایع ترین ناقل ها کنه ای به نام هیالوما می باشد.

مشخصات عامل

عامل مریضی ویروسی از خانواده Bunyaviridae و جنس Norovirus است. این ویروس دارای پوشش پروتئینی (Envelop) است و قطر ساختمان ویروس ۸۵/۱۰۰ نانومتر است و از گروه RNA های یک رشته ای است. (Enveloped Virion 85.100nm - Single Strand Negative Sense RNA -) مقاومت ویروس در برابر حرارت کم است و در حرارت ۵۶ درجه سانتی گراد به مدت ۳۰ دقیقه از بین می رود؛ بنابراین پختن گوشت و یا پاستوریزه کردن شیر باعث از بین رفتن ویروس می شود، ضمناً ویروس می تواند در خون به مدت ۱۰ روز در حرارت ۴۰ سانتی گراد مقاومت کند. ویروس در محیط اسیدی مثلاً استیک اسید دو درصد (و یا محیط اسیدی ایجاد شده پس از جمود نعشی) از بین می رود. صابون و مایعات یا مواد شستشو دهنده با اینکه ویروس را از بین نمی برند؛ ولی تا حدی ویروس را غیر فعال می کنند. با توجه به اینکه اسیدوزی که پس از چند ساعت از ذبح حیوان در جسد حیوان پیدا می شود. که موجب از بین رفتن ویروس می شود. (در کشتارگاه های صنعتی لاشه حیوان به مدت ۲۴ ساعت در فضای ۴ درجه سانتی گراد نگهداری می شود تا ویروس از بین برود. فریز کردن گوشت در منزل در حرارت منفی ۱ تا منفی ۴ درجه سانتی گراد نیز ویروس را از بین می برد).

اپیدمیولوژی

ویروس CCHF به وسیله کنه هیالوما منتقل می شود. مخزن ویروس در طبیعت اصولاً کنه ها می باشد و گاو، گوسفند، بز و خرگوش نیز به عنوان مخزن مطرح می باشند. این ویروس از طریق تماس مستقیم با خون یا ترشحات مریض، لاشه حیوان آلوده (انتقال به قصاب ها و سلاخ ها) سبب ایجاد همه گیری های ناگهانی می گردد. این مریضی بیشتر در مناطق صحرایی آفریقا، اروپای شرقی، خاور میانه عراق، هند، افغانستان، پاکستان، ایران و غرب چین مشاهده می گردد. پرندگان به مریضی مقاومند. غیر از شتر مرغ می توانند با پخش کنه های آلوده باعث اپیدمی گردند. مریضی در حیوانات بدون علامت می باشد.

فصل شیوع مریضی

در فصول گرم سال یعنی از میانه بهار تا اواسط خزان که بیشترین احتمال حضور کنه‌های ناقل در طبیعت وجود دارد، پرخطرترین زمان سال برای ابتلا به CCHF می‌باشد.

افراد در معرض خطر

کسانی که با حیوان سرو کار دارند، بیشتر در معرض مریضی هستند. بر اساس تحقیقات انجام شده در سال‌های ۸۷ الی ۸۹ ه.ش، نشان می‌دهد که مشاغلی مثل کارگران کشتارگاه، قصابان، دهاقین، چوپانان، مالداران، زنان خانه دار، داکتران و ترنر، داکتران و مشاغل وابسته شفاخانه‌ای، به ترتیب بیشتر از دیگر رده‌های شغلی جامعه در معرض خطر هستند. بیش از نیمی از مبتلایان در رده‌های سنی ۲۰ تا ۴۰ سال قرار داشته‌اند.

انتقال (Transmission)

ویروس CCHF از طریق گزش کنه‌ها و تماس مستقیم به خون و انساج حیوان مبتلا یا به طور فوری بعد از کشتار حیوان منتقل می‌شود. بیشترین واقعات این مریضی در اشخاصی که در صنایع حیوانی مشغول به کارند، دیده می‌شود. مانند کارکنان زراعتی، کارکنان مسلخ (Slaughterhouse Worker) و داکتران و ترنر. انتقال از انسان به انسان در نتیجه تماس نزدیک همراه با خون، ترشحات و مایعات آلوده شخص مبتلا صورت می‌گیرد. عفونت‌های حاصل از شفاخانه نیز در صورتی که وسایل طبی به صورت درست تعقیب نشده باشند، استفاده دوباره از سوزن‌ها و وسایل طبی آلوده می‌تواند صورت گیرد.

علائم کلینیکی

علائم کلینیکی چهار مرحله دارد

دوره مخفی

بستگی به راه ورود ویروس دارد. پس از گزش کنه، دوره مخفی معمولاً یک تا سه روز است و حداکثر به ۹ روز می‌انجامد. دوره مخفی به دنبال تماس با انساج یا

خون آلوده معمولاً پنج تا شش روز است و حداکثر زمان ثبت شده ۱۳ روز می‌باشد.

قبل از خونریزی

شروع علائم ناگهانی حدود ۱ تا ۷ روز طول می‌کشد (متوسط ۳ روز)، مریض دچار سردرد شدید، تب، لرزه، درد عضلانی (به خصوص در پشت و پاها)، گیجی، درد و سفتی گردن، درد چشم، ترس از نور (حساسیت به نور) می‌گردد. ممکن است حالت تهوع، استفراغ بدون ارتباط با غذا خوردن و گلودرد و احتقان ملتحمه در اوایل مریضی وجود داشته باشد که گاهی با اسهال و درد شکم و کاهش اشتها همراه می‌شود. تب معمولاً بین ۳ تا ۱۶ روز طول می‌کشد. تورم و سرخی صورت، گردن و قفسه سینه، پرخونی خفیف حلق و ضایعات نقطه‌ای در نرم کام و سخت شیوع هستند. تغییرات قلبی عروقی شامل کاهش ضربان قلب و کاهش فشار خون مشاهده می‌شود. Leukopeni، Thrombocytopenia و بخصوص ترمبوسیتوپنی شدید نیز در این مرحله معمولاً مشاهده می‌گردد.

مرحله خونریزی دهنده

مرحله کوتاهی است که به سرعت ایجاد می‌شود و معمولاً در روز ۳ تا ۵ بعد از دور مخفی آغاز شده و ۱ تا ۱۰ روز (به طور متوسط ۴ روز) طول می‌کشد. خونریزی در مخاطات و سرخی (خون ریزی زیر جلدی که قطری در حدود ۱.۲ میلی‌متر دارد) در پوست به خصوص در قسمت بالای بدن و در طول خط زیر بغلی و زیر پستان در خانم‌ها دیده می‌شود.

در محل‌های تزریق و تحت فشار (محل بستن تورنکت و غیره) ممکن است ایجاد شود. به دنبال سرخی ممکن است هماتوم در همان محل‌ها و سایر پدیده‌های خونریزی دهنده مثل Melena (مدفوع قیری شکل ناشی از خون ریزی سیستم هضمی)، Hematuria (وجود خون در ادرار) و خونریزی از بینی، لته و خونریزی از رحم ایجاد شود و گاهی خلط خونی، خونریزی در ملتحمه و گوش‌ها نیز دیده می‌شود. برخی موارد خونریزی از بینی، استفراغ خونی، Melena و خونریزی رحم آن قدر شدید است که مریض نیاز به تزریق خون دارد. در برخی از مریضان فقط سرخی ظاهر

می‌شود (حدود ۱۵٪). مشکلات سیستم تنفسی به دلیل پنومونی خونریزی‌دهنده در حدود ۱۰٪ مریضان ایجاد می‌شود. به دلیل درگیری سیستم رتیکولواندوتلیال با ویروس، ابتلاء وسیع حجره‌های کبدی شیوع است که موجب Icteric Hepatitis می‌گردد. جگر و طحال در یک سوم مریضان بزرگ می‌شود (معمولاً بین روزهای ۶ تا ۱۴ مریضی). آزمایشات اعمال جگر (تست‌های کبدی) غیر طبیعی هستند و اغلب در مرحله پایانی مریضی سطح بیلی روبین سرم بالا می‌رود. مریضانی که سرنوشتشان به مرگ منتهی می‌شود معمولاً علائم آن‌ها به طور سریع حتی در روزهای اول مریضی تغییر می‌کند و هم چنین لکوسیتوز (افزایش تعداد گلبول‌های سفید به بالاتر از ۹۰۰۰ در میلی‌متر مکعب) بیشتر از لکوپنی وجود دارد.

مرگ به دلیل از دست دادن خون، خونریزی مغزی، کمبود مایعات به دلیل اسهال، یا ادیمای (تجمع غیرطبیعی آب و مایعات بین نسجی زیر پوست و حفره‌های بدن) ریوی ممکن است ایجاد شود. در Autopsy (کالبد گشایی، معاینه و بررسی بدن مرده از طریق برش و آزمایش) مریضان فوت شده، معمولاً خونریزی به شدت‌های مختلف در همه اعضا و انساج و داخل معده و روده‌ها دیده می‌شود.

دوره نقاهت

مریضان از روز دهم وقتی ضایعه‌های پوستی کم رنگ می‌شود، به تدریج بهبودی پیدا می‌کنند. اغلب مریضان در هفته‌های سوم تا ششم بعد از شروع مریضی وقتی شاخص‌های خونی و آزمایش ادرار طبیعی شد از شفاخانه مرخص می‌شوند. مشخصه دوره نقاهت، طولانی بودن آن به همراه ضعف می‌باشد که ممکن است برای یک ماه یا بیشتر باقی بماند. گاهی موها کامل می‌ریزد (که پس از ۴ تا ۵ ماه ترمیم می‌شود) بهبودی معمولاً بدون عارضه است، اگرچه التهاب رشته‌های عصبی (Neuritis) یک یا چند عصب ممکن است برای چندین ماه باقی بماند.

علائم مریضی در حیوانات مبتلا

در بین مهره داران تنها انسان است که علائم مریضی را به صورت حاد نشان می‌دهد. علائم مریضی در صورت

وجود در حیوانات به صورت تب و در بعضی موارد که حد بیشتری داشته باشد سبب سقط جنین می‌گردد. قریب یک هفته پس از ابتلا حیوان به مریضی، حیوان تب دارد، ویروس را دفع می‌کند. اگر چنین حیوانی کشتار شود، ترشحات آلوده آن می‌تواند انسان در تماس با این حیوان را مبتلا به مریضی CCHF نماید. حیوان آلوده، تولید گوشت سرخ آلوده می‌نماید. گوشت پس از تولید اسید لاکتیک در لاشه، برای این ویروس محیط مناسبی نبوده و بلافاصله ویروس CCHF در این لاشه‌ها از بین می‌رود. عدم مصرف گوشت تازه و نگهداری گوشت برای مدت حداقل ۱۲ ساعت در حرارت ۴ درجه برای ایجاد جمود نعشی و پایین آوردن pH لاشه، امکان انتقال ویروس از طریق گوشت را از بین می‌برد. همچنین در مورد احشاء خوراکی نیز باید همین مراقبت را اعمال کرد.

تشخیص تفریقی

تشخیص‌های افتراقی تب خونریزی دهنده کریمه کنگو شامل موارد زیر می‌باشد:

۱. Influenza
۲. Viral Hepatitis
۳. Mumps
۴. Septicemia
۵. Salmonellosis
۶. Malaria
۷. Leptospirosis
۸. Anthrax Endocarditis

تشخیص لابراتواری

تشخیص موارد احتمالی CCHF در لابراتوار با مراقبت بیولوژیکی بالا و تجهیزات اختصاصی انجام می‌گیرد. ویروس CCHF را به راحتی می‌توان از خون مریضان در مرحله حاد (در طی ۸ روز اول مریضی) در محیط کشت حجره یا موش‌های شیرخوار جدا نمود. در حدود روز ششم ممکن است بتوان آنتی بادی IgM و IgG را در سیرم با روش ELISA جدا کرد. با بکار بردن روش ایمنوفلورسنس یا ELISA، گاهی در نمونه‌های انساج آنتی جن ویروس را می‌توان جدا کرد. اخیراً PCR یک

روش مالیکولی برای جداسازی جینوم ویروس بطور موفق در تشخیص بکار برده شده است.

تداوی (Treatment)

مراقبت‌های عمومی همراه با تداوی دقیق آن در انسان‌ها هدف اصلی می‌باشد. تداوی حمایتی نقش عمده در قسمت تداوی مریضان را دارا می‌باشد. مدیریت درست موازنه مایعات و الکترولیت وابسته به شدت مریضی می‌باشد. تا حال کدام دوا ضد ویروسی خاص تأیید شده جهت تداوی این مریضی در انسان‌ها وجود ندارد. استفاده از دوا ضد ویروسی Ribavirin در عفونت‌های CCHF با موفقیت همراه بوده است. هر دو شکل خوراکی و تزریقی (داخل وریدی) مؤثر به نظر می‌رسد. همچنان استفاده از Passive Immunotherapy که در آن از آنتی بادی خاص علیه این مریضی استفاده می‌شود، تأکید صورت می‌گیرد.

وقایه و کنترل (Prevention and Control)

کنترل CCHF در حیوانات و کنه‌ها

کنه‌های جنس Hyalomma از جمله ناقلین اصلی این مریضی می‌باشند. وقایه و کنترل عفونت CCHF در حیوانات و کنه‌ها بسیار مشکل می‌باشد، چون دوران این عفونت از کنه حیوان بدون کدام نشانه صورت گرفته و همچنان عفونت در حیوانات اهلی بدون علائم کلینیکی می‌باشد. به علاوه، تعداد کنه‌های ناقل زیاد و گسترده می‌باشد. بناءً کنترل کنه‌ها با Acaricides (مواد کیمیای که سبب از بین بردن کنه‌ها می‌شوند) یک گزینه خوب جهت کنترل بهتر تولیدات حیوانی می‌باشد. تا حال کدام واکسین جهت وقایه در حیوانات در دسترس نمی‌باشد.

مشوره دهی از لحاظ صحت عامه

کاهش خطر عفونت در انسان‌ها

اگرچه یک واکسین غیر فعال شده (Inactivated) و به دست آمده از مغز موش (Mouse Brain Derived) موجود بوده که به پیمانیه کم در اروپای غربی مورد استفاده قرار می‌گیرد، تا حال کدام واکسین مصئون و

مؤثر که به طور وسیع مورد استفاده قرار گیرد، برای وقایه در انسان‌ها موجود نمی‌باشد. در عدم موجودیت واکسین، یگانه راه جهت کاهش عفونت در انسان‌ها آگاه ساختن مردم در مورد فاکتورهای خطر ساز و آموزش روش‌های که سبب کاهش مواجه شدن به ویروس می‌گردد، می‌باشد.

کاهش خطر انتقال از کنه به انسان

- پوشیدن لباس محافظ (دستکش‌های بلند، جوراب‌های بلند).
- پوشیدن لباس‌های با رنگ روشن که به آسانی کنه‌ها در روی لباس شناسائی شوند.
- استفاده از مواد ضد کنه بر روی لباس.
- استفاده از مواد دفع کننده روی جلد و لباس.
- جستجو کردن دقیق و منظم لباس و جلد برای ارزیابی کنه، در صورت پیدا کردن، بطور مصئون دور گردد.
- جستجویی برای از بین بردن و کنترل آلوده‌گی‌های کنه در حیوانات یا محل نگهداری حیوانات.
- جلوگیری از نگهداری حیوانات در محل‌های که کنه‌ها در آن فراوان بوده و فصلی که در آن بیشتر فعالیت دارند.

کاهش خطر انتقال از حیوان به انسان

- در مناطق که شیوع مرض اندمیک می‌باشد باید کار بالای حیوان و انساج همراه با پوشیدن لباس محافظ و دستکش صورت گیرد، به خصوص در جریان کشتار، قصابی کردن و پروسه قطعه قطعه کردن در کشتارگاه یا در خانه.
- قرنطین نمودن حیوان پیش از داخل کردن به محل کشتارگاه و تداوی روزانه حیوانات همراه با آفتکش‌ها دو هفته قبل از کشتار.

کاهش خطر انتقال از انسان به انسان

- اجتناب از نزدیکی فیزیکی با افراد مبتلا به این عفونت.



مریض و مشکوک و آگاهی مردم از فکتور های خطر ساز می باشد. همچنان مریضی مذکور بعد از تشخیص توسط ادویه ای بنام Ribavirin قابل تداوی است.

- پوشیدن لباس محافظ و دستکش در جریان مواظبت از افراد مریض.
- شستن منظم دست ها بعد از مراقبت یا ملاقات افراد مریض.

نتیجه گیری کلی

مریضی CCHF از جمله عفونت های خطرناک است که می تواند از کنه های جنس Hyalomma و حیوانات به انسان (خصوصاً از طریق انساج و خون) انتقال پیدا کند. مریضی مذکور می تواند علائم کلینیکی واضح و قابل تشخیص را نزد انسان ها ایجاد کند که برعکس آن در حیوانات کدام علائم کلینیکی خاصی به مشاهده نمی رسد. کارکنان زراعت، کارکنان کشتارگاه ها و داکتران و ترنر بیشتر در معرض خطر قرار دارند و باید شرایط حفظ الصحة را به صورت صحیح مراعات نموده تا از خطر مبتلا شدن به این عارضه مهلک در امان باشند.

فامیل های که از گوشت گاو، گوسفند و بز استفاده می نمایند باید در زمان تماس با گوشت از لباس محافظ و دستکش استفاده نمایند. برای جلوگیری از مرض مذکور کدام واکسین مؤثر و مصئون تا حال در دسترس نیست و یگانه راه برای جلوگیری از این عارضه کاهش تماس با حیوانات

فهرست مأخذ

۱. توخی، داکتر نذیر احمد، صدیقی. محمد احسان (۱۳۹۴) معرفی و وقوعات عفونت تب خون دهنده کریمنه کنگو در هرات، انتشارات اندیشه.
۲. جیمز اچ. استیل، ترجمه اسمائیل ذوقی (۱۳۷۲) مریضی های قابل انتقال بین انسان و حیوان (زئونوزها) موسسه تحقیقات واکسن و سرم سازی رازی، صص ۴۲۵.۴۰۰.
۳. جی. آر. کارتر، دارلاجی. وایس، ترجمه داکتر ملاح احمدی (۱۳۸۷) اصول باکتری شناسی دامپزشکی، چاپ اول، انتشارات جهاد دانشگاهی ارومیه، صص ۳۶۰.۳۸۳.
۴. جی. گلن سونگر، کارن دابلیو پست، ترجمه داکتر غلامرضا هاشمی تبار، میکروب شناسی و ترنری انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۴۰.۱۵۷.

افسردگی چیست؟



حامد اسلمی

روانشناس تربیتی و مشاور صحت روانی

فقط از غم و اندوه ناشی می‌شود. ما معمولاً خودمان از پس آنها برمی‌آییم و نیازی به کمک گرفتن از دیگران نداریم.

افسردگی یکی از بیماری‌های شایع روانی است و شیوع آن تا جایی است که به بیماری سرماخوردگی روانی معروف است. فرد افسرده دچار چنان عذاب روحی می‌شود که می‌تواند تمام ابعاد زندگی‌اش از جمله روابط اجتماعی، روابط خانوادگی و حیطة شغلی و تحصیلی را تحت تأثیر قرار دهد.

افسردگی یک اختلال عاطفی است که در بُعد عواطف فرد اختلال ایجاد می‌کند. افسردگی می‌تواند هم دلایل بیرونی و محیطی و هم علل ژنی و درونی داشته باشد. که به لحاظ ژنی هورمون‌ها تغییراتی را در بدن ایجاد می‌کند.

همه ما گاهی اوقات احساس خستگی، بدبختی و ناراحتی می‌کنیم، این احساسات معمولاً بیش از یک یا دو هفته دوام نمی‌آورند و چندان با روند زندگی ما تداخل ایجاد نمی‌کنند. گاهی اوقات دلیل خاصی برای آن وجود دارد، گاهی هم

افسردگی در بین افراد مختلف به صورت‌های متفاوت و درجات گوناگون پدیدار می‌گردد. گاهی افسردگی به صورت یک هیجان عادی جلوه‌گر می‌شود. گاه به صورت غم و اندوه بروز می‌کند و حالت غمگینی به عنوان یک پاسخ طبیعی نسبت به شرایط غمناک برای فرد به وجود می‌آید. بعضی اوقات افسردگی به صورت ضعف ظاهر می‌شود و گاهی بعضی از افراد دچار افسردگی شدید می‌شوند.

طبق تحقیقات دانشمندان روانشناسی، اختلال افسردگی در زنان ۱۰ درصد بیشتر از مردان اعلان شده است. زیرا که زنان نسبت به مردان احساساتی‌تر هستند به این دلیل زودتر و شدیدتر از مردان به بیماری افسردگی مبتلا می‌شوند.

علل پیدایش افسردگی متفاوت بوده و بطور خلاصه عبارتند از وراثت، تغییرات هورمونی، محیط‌های نا امن، محیط‌های آشفته، خشونت در خانه و روابط، وفات یکی از نزدیکان، ضربه‌های روحی در کودکی، از دست دادن وظیفه، دوری از دوستان نزدیک، طلاق، فقر، مریضی‌های مزمن، شکست و ناکامی، شکست‌های عاطفی، استفاده از داروهای ضدبارداری و خواب آور، استفاده از الکل و دخانیات، تغذیه نامناسب، تفکرات منفی، اعتماد به نفس پائین، عدم تحرک بدنی و انزوا از اجتماع. همچنین دانشمندان دریافته‌اند که افسردگی می‌تواند به صورت خانوادگی باشد، یعنی اگر یکی از والدین شما شدیداً افسرده باشد، شما هشت برابر بیشتر مستعد ابتلا به افسردگی هستید.

شیوع افسردگی در قرن بیستم به خصوص بعد از دو جنگ جهانی بیشتر شده است، علت آن را مصرف دارو، دخانیات و الکل، افزایش استرس و کاهش اشتغال گفته‌اند. علت دیگر افزایش افسردگی تغییرات اساسی اجتماعی است.

گروهی از روانشناسان بر این باورند که در

نبود حمایت‌های اجتماعی، فامیل یا دوستان، گرایش به افسردگی شدت پیدا می‌کند. جامعه کنونی، کانون ناسالم در درون افراد به وجود آورده و آنها را بیش از حد به رضایت خاطر و شکست‌های شخصی وابسته کرده است.

چگونه بفهمیم شخص افسرده یا غمگین است؟

فردی ممکن است افسرده باشد، اگر بیش از دو هفته

- بیشتر وقت‌ها احساس غم کرد، بی حوصله یا بسیار غمگین بود.
- علاقه یا لذت بردن از فعالیت‌های معمولی خود را از دست داد.

و یا حداقل سه مورد از چهار نشانه‌های زیر را تجربه کند:

۱. رفتار

- متوقف کردن خروج از منزل.
- انجام ندادن وظایف در سر کار.
- کناره‌گیری از فامیل، اقوام و دوستان نزدیک.
- متکی شدن به مشروب الکلی و داروهای خواب آور.
- لذت نبردن از چیزهایی که قبلاً لذت می‌برده.
- عدم توانایی در تمرکز حواس.

۲. افکار

- من ناموفق هستم.
- من مقصوم.
- هیچوقت برای من اتفاق خوبی نمی‌افتد.
- من بی ارزش هستم.
- زندگی ارزش زنده بودن و زندگی کردن را ندارد.

۳. احساسات

- در هم شکستگی.
- احساس گناهکار بودن.
- زود رنج و مأیوس.
- عدم اطمینان و نا امید.
- کاهش قدرت تصمیم گیری.
- غمگینی و ناشاد بودن.

۴. جسمانی

- خستگی مداوم، کوفتگی عضلات شانه.
- مریض و فرسوده.
- سردرد و درد عضلات.
- حالت تهوع.
- مشکلات خوابیدن.
- بی اشتهائی یا پر خوری.
- اختلال در وزن، کاهش یا افزایش وزن.

شناخت کلی علائم و نشانه‌های افسردگی

افسردگی گونه‌های متفاوتی دارد اما بطور کلی آنچه در اینجا به عنوان نشانه‌هایی از افسردگی یاد شده است، نشانه‌های عمومی از افسردگی می‌باشد. نشانه‌های کلی افسردگی و حالات مختلف شخص افسرده را می‌توان از پنج جهت مورد بررسی قرار داد:

۱. **رفتاری.** بدن خمیده، کندی حرکات، ساییدن دست‌ها به یکدیگر، حالت چهره غمگین، آویزان بودن گوشه‌های دهان، چین‌های عمیق، بی حالتی یا متغیر و تنیده بودن چهره، شیوه حرف زدن آهسته، یکنواخت و کند، کاهش عمومی فعالیت‌های زدگی، وجود مشکلات زیاد در حل مسائل زندگی روزمره و نگرانی، اضطراب.
۲. **هیجانی.** احساس کوفتگی، ناتوانی،





تنهایی، گنهکاری، خشم، بی احساسی.

۳. **زیستی.** نا آرامی درونی، حساسیت نسبت به تغییرات جوی، کاهش اشتها و وزن، دردها و ناراحتی‌های جسمی، فشار خون، اسهال، سردرد، گرفتگی عضلات.

۴. **شناختی.** داشتن دیدگاه و برداشت منفی نسبت به خود و نسبت به آینده، بد بینی و انتقاد از خود، عدم اطمینان نسبت به خود، خود بیمار پنداری، کندی فکر، مشکلات تمرکز، نشخوار فکری، انتظار فاجعه، افکار خودکشی.

۵. **انگیزشی.** انتظار شکست، کناره گیری و اجتناب از مسئولیت‌های خود، احساس فقدان کنترل و ناتوانی، فقدان تمایل به پیشرفت.

با توجه به اوصاف یاد شده، افسردگی، قابل شناسایی و کنترل است؛ اما گاهی از نظر شدت به درجه‌ای می‌رسد که فرد، قادر به کنترل آن نیست و نیاز به مراجعه نزد روانشناس جهت مشاوره دارد.

چه موقع باید کمک بخواهیم؟

- وقتی احساس افسردگی شما بدتر از حد معمول باشد و چندین هفته می‌شود که

بهتر نشده‌اید.

- وقتی احساس افسردگی شما سبب مختل شدن فعالیت‌های روزانه‌تان شود.
- در صورتی که حس کنید زندگی ارزشی ندارد یا اینکه افراد دیگر بدون شما خوشتر خواهند بود و قصد آسیب رساندن به خود را داشته باشید.

نوت: در این شرایط، صحبت باخویشاوندان یا دوستان مورد اعتماد ممکن است کمک کننده باشد، در غیر اینصورت نیاز است که توسط یک روانشناس ویزیت شوید.

توصیه‌هایی به اطرافیان و خانواده‌ها برای

مقابله با افراد افسرده

اعضای فامیل باید دوستان نزدیک و اقوام را به انتخاب و انجام روش‌های ذکر شده که قرار ذیل می‌باشد، تشویق کنند.

- ✓ بیمار را برای درخواست کمک و مراجعه به روانشناس تشویق کنید.
- ✓ بیمار را حمایت عاطفی کنید. ابراز محبت،

✓ بیمار را به کارهایی شبیه به کارهای معمولی روزانه خود سرگرم کنید و به آنها بگوئید باید خود را مصروف کنند و بیشتر بیرون بروند.

انواع افسردگی

افسردگی اقسام گوناگون دارد که شامل (افسردگی اساسی، افسردگی مزمن، افسردگی دو قطبی، افسردگی فصلی، افسردگی روانی، افسردگی پس از زایمان و...) که هرکدام دلایل، علائم و نشانه‌های خاص خود را داشته و همچنان درمان (رفتار درمانی) هرکدام نظر به نوع شدت آن متفاوت می‌باشد.

عوارض بیماری افسردگی

از آنجا که افسردگی تهدید کننده سلامت زندگی فرد، خانواده و اجتماع است، می‌تواند بر روی خلق، رفتار، نگرش و کارایی افراد تأثیر منفی بگذارد و عوارضی چون اعتیاد و خودکشی گریبانگیر آنان شود. قابل تذکر است که افسردگی موجب افت کاری و آموزشی، کاهش انگیزه برای انجام طرح‌های تازه و پیدایش مشکلات شغلی و خانوادگی می‌شود، که ۷۵ فیصد افرادی که در بخش‌های روانی بستری می‌شوند دچار افسردگی هستند. افسردگی یک بیماری جدی و مهم است که می‌تواند باعث اثرات

درک، صبوری، تشویق و قوت قلب دادن.

✓ مراقبت از خود و خانواده زندگی با یک فرد افسرده، دشوار است. احتمال دارد عضو بیمار خانواده، حرف‌های نیش دار و ناراحت کننده‌ای بزند و از شما انتظارات بیش از حد داشته باشد. لذا عصبانی نشوید و تحمل کنید.

✓ گاهی وقت بگذارید برای مذاکره در مورد تجربیات افراد افسرده و همراهی شان درد دل کنید.

✓ برای افراد افسرده بصورت غیرمستقیم برایشان اشاره کنید به اینکه در رفتار آنها تغییراتی مشاهده کرده‌اید.

✓ به طور مستقیم و غیر مستقیم در مورد افسردگی همراه با فرد افسرده صحبت کنید.

✓ تشویق افراد افسرده به شرکت در فعالیت‌های اجتماعی، ورزشی و فرهنگی.

✓ آنان را به تفریح بیرون از شهر مثلاً کوه، ده، باغ... ببرید تا تغییر مکان و آب و هوا را حس کنند.

✓ تماس خود را با آنها حفظ کنید و آنها را تحت فشار قرار ندهید که متوجه رفتار خودت باش، شاد باش، لطفاً غمگین نباش و...

وحشتناکی بر روی فرد و خانواده وی شود. اگر افسردگی درمان نشود، می‌تواند باعث بوجود آمدن مشکلات عاطفی، رفتاری و جسمی شود. در نهایت ۱۵ فیصد بیماران افسرده، دست به خودکشی موفق می‌زنند.

این عوارض می‌توانند شامل موارد ذیل باشند:

اعتیاد به الکل، اعتیاد به مواد مخدر، اضطراب، استرس، مشکلات درسی و یا کاری، مشکلات خانوادگی، منزوی شدن، قتل و یا خودکشی، آسیب رساندن به بدن، فرار از شهر یا کشور، ترک فامیل و مهاجرت در کشورهای دور.

درمان افسردگی

درمان افسردگی از مشکل‌ترین درمان‌های خانواده اختلالات روانی هست که حتی در بعضی افراد گاهی درمان ناپذیر بوده؛ اما نظر به مدت زمان آن به حالت طبیعی بر خواهد گشت. با این حال روش‌های برای درمان کاهش و جلوگیری از شدت آن توسط

روانشناسان وجود دارد.

بیماری افسردگی با دوروش روان درمانی یا رفتاردرمانی و دارو درمانی قابل مداوا می‌باشد. داروهای ضد افسردگی اعتیادآور نیست و حتی بندرت عوارض جانبی دارد و بیمارانی که افسردگی شدید دارند باید تا مدت زمان معینی از آن استفاده کنند. اندازه این داروها از فردی به فرد دیگر متفاوت است ولی بطور کلی عوارض آن؛ کمی باعث افزایش وزن، خشکی دهان و سردرد می‌شود.

نکته بسیار مهم اینکه اگر درمان افسردگی با استفاده از روان درمانی یا رفتار درمانی باشد. بسیار بهتر از دارو درمانی است زیرا پس از مصرف دارو احتمال عود بیماری در فرد زیاد است. در برخی موارد یک روانشناس می‌تواند به شخص راه‌های سالم تفکر را بیاموزد و افراد افسرده را تسکین دهد. اما در افسردگی‌های شدید نخست دارو تجویز می‌شود، سپس به درمان فرد افسرده از طریق رفتار درمانی و روان درمانی توسط روانشناس پرداخته می‌شود.

(صفحه‌ای برای تمرین شعر، داستان
و خاطره‌نویسی دانشجویان)

کلبند جام

ه. ص.



اشاره

نکنید. او ادامه داد که خانواده راضی به دانشگاه رفتن من هم نبود. من مخفیانه آمادگی گرفتم و مخفیانه آمدم در دانشگاه جامی کنکور دادم. وقتی با نمره خیلی بالا قبول شدم، خانواده مجبور شد موافقت کند. از میان خیلی از غزل‌ها و داستان‌های این دلنوشته را که به نظر می‌رسد، زبانه‌های خودش نیز هست برای چاپ در مجله انتخاب کردم. تا شاید زمانه و روزگار عوض شود و دختران به جرم زیبایی‌شان، یا به جرم عنعنات قومی و یا فقر و ناداری خانه‌نشین نشوند.

روزی دختر جوانی به دفتر «جام دانش» آمد. خود را معرفی کرد. گفت به شعر و نگارش علاقه‌مندم. صنف دوازده را تمام کردم و خانواده به دانشگاه رفتن مخالفت کرد؛ اکنون در کنج خانه شعر می‌سرایم و داستان می‌نویسم. اشعارش را خواندم، بی نهایت پخته، پر معنا و عاشقانه و نوشته‌هایش فوق العاده زیبا و خواندنی بود. باور نکردم این نوشته‌ها و اشعار از یک دختر صنف دوازده باشد، ولی خواهرش که از آشنایان و از ممتازین دانشگاه جامی است، گفت همه این‌ها مال خودش است. شک

خاک بر چشم رقیبانم پیاشانم.
و همه مرا با چشمان حسرت آلود
می‌نگرند، چشمانم هوای پیش رو را
نمی‌بیند و مرا به بی
راهه‌ها می‌کشاند.
و اینجا چقدر مشکوک است، جای
در گمنام‌ترین نقطه جهان و من
ناشناخته‌ترین آدم "جهان"
بال‌هایم زخمی است و قلبم، ترک
خورده است.
آشنا، اینجا را به یاد نمی‌آورم اینجا
برایم گمنام است.
مرا تنها گذاشتند و نمی‌گذارند دو
باره پرواز نمایم.

کشیدن رقیبانش است، عقابی که
سر خم نمی‌کرد
زانو نمی‌زد.
گریه نمی‌کرد.
زخمی نمی‌شد.
و حالا من و این همه نشدن‌های
دور از تصور.
عقابی زخمی در دل
آسمان بی ستون
عقابی که نه نای بالا رفتن را دارد و
نه دل زمین خوردن را.
دل‌م هوای پرواز به اوج آسمان‌ها
را دارد اما.
زمانه امانم نمی‌دهد و نمی‌گذارد

دستم به دامانت ای روزگار!
خانم: ه. ص.
عقابی بودم.
استوار، بردبار، صبور.
و بلند پرواز.
اما...
شکارچی بی رحم در مسیر راه و به
اوج پروازم به اوج خوشبختی‌هایم،
بال‌هایم را نشانه گرفت
و مرا معلق به آسمان بی
رحم سپرد...
و حالا شده‌ام.
عقابی خسته، بی صبر، درمانده و
عقابی که در حال تماشای پر



جمله اول مکتب را که استاد نوشت

من فهمیدم

تو راحت دانستی

اما او نتوانست

استاد نوشت

من خواندم

تو خندیدی

اما او بغض کرد

چرا؟

استاد جمله را پرسید،

من بند آوردم

تو راحت خواندی

اما او یاد نداشت

چرا؟

بله چرا؟

چون اولین جمله‌ای که

استاد نوشت

این بود که

"علم بهتر است یا ثروت؟"

جمله‌ای که قلبم را رنجاند

تو را راحت سپری کرد

و او را گریاند.

سال‌ها تیر شد

من ماندم

تو پیشرفت کردی

و او اعدام شد

کدام بهتر است؟

علم یا ثروت؟

در حالی که سال‌ها گذشت

من ماندم تو رفتی و او در گذشت

من هنوز هم بیسواد ماندم

چون نتوانستم بنویسم پس

"علم بهتر است یا ثروت"

من خوبم

او فقیر است

اما تو ثروتمندی

من معلم می‌شوم

تو داکتر می‌شوی

اما او قاتل می‌شود

من به جایم می‌مانم

تو پیشرفت می‌کنی

اما او اعدام می‌شود

من از یاد می‌روم

تو در یاد می‌مانی

و او لعنت می‌شود

چرا؟

من، تو، او!

هر سه به یک مکتب به یک صنف

اما متفاوت درس خواندیم.

من می‌نوشتم

تو می‌خواندی

او پس می‌ماند

چرا؟

من یک قلم داشتم

تو دو قلم داشتی

اما او قلم نداشت،

من می‌نوشتم

تو نوشته بودی

و او یاد نداشت

چرا؟

من می‌یافتم

تو می‌خریدی

اما او توان نداشت

من خوش بودم

تو می‌خندیدی

اما او گریه می‌کرد

چرا؟

نمی‌گذارند بال‌هایم التیام یابد،

کمانشان آماده و بازوهایم را نشانه

گرفتند، منی که سر به هوا تا

آنسوی افق پرواز می‌نمودم و هوای

آزادی گونه‌هایم را لمس می‌کرد.

اینجا کجاست؟

آری بن بست‌ترین گوشه‌ای جهان.

و در دل گمنامی‌ها.

جای که مرا لایق دانستند.

ای صیاد.

بگذار پرواز نمایم.

من می‌دانم خوشبختی‌هایم کمی

آنسوتر است بگذار ادامه دهم،

بگذار با بال‌های خسته‌ام افق‌ها

را فتح کنم.

آسمان منتظر پر کشیدن دوباره من

است، و من به تمام آرزوهایم قول

برآورده شدن را داده‌ام ...

رنگین کمان فردا قرار است با رنگ

پیروزی من بست شود.

دستم به دامانت ای روزگار.

من هنوز میل بالا رفتن را دارم

مجالم بده ...

و من هنوز هم همان عقاب سر به

هوای آزادی‌ام، بگذارید قله‌ها

را فتح کنم.

آسمان منتظر پر کشیدن

دوباره من است.

و... ای صیاد.

ه. ص.

علم بهتر است یا ثروت؟

من راه را می‌روم

تو راه را می‌روی

و او راه را می‌رود

من کج می‌روم

او در چاه می‌افتد

و تو بهروز می‌شوی

آیین نامه نگارش مونوگراف

تهیه و تنظیم: آمریت تحقیقات علمی دانشگاه جامی

مونوگراف یا پایان‌نامه، گزارشی است مکتوب که در آن محصل نتایج تحقیق و بررسی خود را در یکی از حیطه‌های رشته تحصیلی مربوطه، زیر نظر استاد راهنما، انجام داده و برای اثبات مهارت و توانایی علمی خود و دریافت مدرک رسمی فراغت، با تشریفات خاص ارائه می‌کند. یکی از نیازهای مهم دانشجو برای تدوین مونوگراف معیاری آشنایی وی با نحوه نگارش و تنظیم کردن آن است. مونوگراف دوره لیسانس، طبق مصوب دانشگاه جامی و تفاوت رشته‌ها، از چهار تا هشت کردیت متفاوت است و از نظر ساختاری، دارای یک قالب و معیار علمی مشخص و تابع ضوابط خاص و غالباً شامل این موارد است:

صفحات آغازین، چکیده، فهرست تفصیلی مطالب، فهرست تصاویر و نمودارها، مقدمه، بیان مسئله و توضیح مفاهیم، تاریخچه مختصر یا مروری بر پژوهش‌های انجام شده و آخرین اطلاعات تئوری، تجزیه و تحلیل، نتایج بحث و پیشنهادات و فهرست منابع و مأخذ.

پایان‌نامه‌نویسی غالباً یک «کار فردی» است که محصل با هدایت و نظارت استاد راهنما و همکاری استاد مشاور به تنظیم و تدوین آن مبادرت می‌کند. نوشتار حاضر «راهنمای مونوگرافی نویسی» است که در امریت تحقیقات علمی دانشگاه جامی تهیه و به تأیید ریاست محترم، معاونت علمی و برخی استادان پوهنتون رسیده است و جهت یکسان سازی امور رعایت آن، هم از سوی محصلان و هم از جانب استادان گرامی ضروری می‌باشد.

مونوگراف باید به این ترتیب، تهیه و تنظیم گردد:

صفحه روی جلد؛

صفحه سفید (بدون نوشته)؛

صفحه بسم الله الرحمن الرحيم؛

صفحه عنوان؛

صفحه تأییدنامه توسط هیأت داوران (پس

از دفاع)؛

صفحه اهداء یا تقدیم؛

صفحه قدردانی و تشکر؛

صفحه چکیده و کلیدواژه؛

فهرست تفصیلی مطالب؛

بخش طرح تحقیق و تبیین اصطلاحات (مقدمه، بیان مسئله، سوالات تحقیق (اصلی و فرعی)، فرضیه‌ها، اهداف، اهمیت و ضرورت، پیشینه تحقیق، روش تحقیق، و شرح اصطلاحات کلیدی دشوار)؛

متن اصلی (فصل‌ها)؛

نتایج و پیشنهادات؛

منابع و مأخذ؛

ضمایم؛

چکیده لاتین (Abstract) به همراه کلیدواژه‌های

لاتین (اختیاری)؛

صفحه عنوان انگلیسی (اختیاری).

حال به شرح اجمالی هریک از بخش‌های

مذکور می‌پردازیم:

الف) صفحه عنوان (جلد)

عنوان مونوگراف در حقیقت ویتترین و تابلوی محتوای متن آن است و به هر میزانی که نام و عنوان شفاف، نو، جزئی، مطابق نیاز روز و جذاب انتخاب شود، به همان میزان موفقیت دانشجو در آخذ نمره عالی، بالاتر خواهد رفت. این قسمت مونوگراف باید به طور مشخص ماهیت کار محقق و انجام آن را نشان بدهد. عنوان حداکثر از ۱۲ کلمه بیشتر نباشد. همچنین عنوان نباید کلی و مبهم باشد و طوری انتخاب شود که خواننده با دیدن آن به کل محتوای مونوگراف پی‌ببرد.

در صفحه عنوان مونوگراف، مشخصات زیر و به ترتیب و فاصله‌های مناسب و به طرز خوش‌نما مرتب گردد:

۱. آرم و نشانه وزارت تحصیلات عالی و آرم و نشانه

دانشگاه جامی بالای صفحه و در دو طرف و در وسط

آن دو، چهار عبارت زیر به ترتیب ذیل قرار گیرند:

الف. عبارت «جمهوری اسلامی افغانستان»؛

ب. عبارت «وزارت تحصیلات عالی ج.ا.ا.»؛

ج. عبارت «پوهنتون / دانشگاه جامی»؛

د. نام پوهنچی و دیپارتمنت (.....)؛

۶. عبارت «موضوع مونوگراف:»؛

۷. عنوان پایان‌نامه با حروف درشت؛

۸. عبارت «استاد راهنما» و ذکر کامل نام استاد

راهنما با رتبه علمی و درجه تحصیلی) (داکتر / ماستر)
۹. عبارت «استاد مشاور» و ذکر نام استاد مشاور
(اختیاری)؛

۱۰. کلمه «نگارش یا پژوهشگر دو نقطه» و ذکر
نام نگارنده (دانشجو)؛

۱۱. ذکر تاریخ به ترتیب ماه یا فصل، همراه با
سال و کلمه هرات.
نکته: تمام مطالب روی جلد از بالا تا پایین
وسط چین باشد.

ب) صفحه سفید

بعد از جلد، یک صفحه کاملاً سفید گذاشته شود.

ج) صفحه بسم الله الرحمن الرحيم

در این صفحه می‌توانید از اشکال مختلف «بسم الله
الرحمن الرحيم» استفاده کنید. همچنین می‌توانید در
پایین بسم الله از آیه‌های کوتاه و مناسب عنوان با
ترجمه آن استفاده نمایید.

د) صفحه عنوان ساده

صفحه عنوان در واقع همان مشخصات روی جلد اصلی
را دارد. در این بخش نباید از اشکال، تصاویر و چوکات
استفاده شود.

ه) صفحه تصویرنامه یا تأییدیه هیأت داوران

این ورق شامل مشخصات عنوان مونوگراف، نام نگارنده،
نمرات اختصاص یافته، نام اساتید راهنما و داوران و تأیید
آمر دبیرتمنت و مدیریت تدریسی و رئیس پوهنحی
می‌باشد که پس از مراسم دفاع و اخذ نمره قطعی در این
قسمت مونوگراف اضافه می‌شود.

و) صفحه اهداء و تقدیم

در این صفحه محصل اختیار دارد که محصول کار خود
را به یک شخص بزرگ و یا پدر، مادر و همسر خود
تقدیم نماید.

ز) صفحه تشکر و سپاس

در این بخش، محصل از مسئولین دانشگاه، اساتید یا
دیگر افرادی که در طول تحصیل یا در نوشتن مونوگراف
با او همکاری نموده است، تشکر و سپاسگذاری می‌کند.

ح) چکیده و کلیدواژه

چکیده یا خلاصه باید به صورت ممتد (بدون پاراگراف)
و حداکثر در ۲۰۰ تا ۳۵۰ کلمه نوشته شود. در چکیده
موضوع، هدف، روش‌ها، نتایج و نتیجه‌گیری در
کلی‌ترین شکل خود بیان گردد و باید طوری تنظیم
شود که خواننده با مراجعه به آن در جریان مباحث
اصلی و اساسی که نویسنده بدان پرداخته است
قرارگیرد. محتوای چکیده باید شامل مطالب ذیل باشد:

۱. بیان موضوع در یک جمله

۲. بیان سؤال اصلی تحقیق

۳. هدف تحقیق

۴. فرضیه تحقیق

۵. نوع منابع و روش مورد استفاده

۶. نتایج تحقیق

نکته. در چکیده مونوگراف نکات ذیل نیز باید
رعایت گردد: از ذکر مطالبی که در متن مونوگراف
نیامده پرهیز شود؛ اقوال دیگران به صورت مستقیم
نقل نشود؛ در نوشتن مطالب از فعل گذشته (ماضی)
و سوم شخص (غایب) استفاده شود.

در پایان چکیده و در یک سطر مستقل ۴ تا ۷
کلمه کلیدی که از آن به نام کلیدواژه یاد
می‌شود، درج گردد.

ط) فهرست مطالب

فهرست مطالب شامل عناوین اصلی و فرعی فصل‌ها،
عنوان کتابنامه (فهرست مآخذ) و عناوین ضمیمه می‌باشد.
اگر در مونوگراف از جداول، نمودارها و گراف‌ها،
عکس یا فورم‌های نموداری استفاده شده باشد،
عناوین آن در یک فهرست جداگانه درج گردد.
جدول‌ها و نمودارها تا جایی که ممکن است نزدیک
به متن مربوطه قرار گیرد و هر جدول یا نمودار با
عنوان خاص که معمولاً در ذیل آن درج می‌شود،
مشخص گردد.

ی) بیان طرح تحقیق

برای ورود به بحث اصلی مونوگراف، مقدمه‌ای لازم است. مقدمه می‌تواند شامل دلایل انجام تحقیق، سابقه کار، حدود کار، گردآوری اطلاعات، مجموعه مطالبی است که ذهن خواننده را برای ورود به متن اصلی آماده می‌سازد که تا ادامه را نیز بخواند. معمولاً در این بخش، طرح تحقیق یا پیشنهاد و پروپوزال مونوگراف نیز گفته می‌شود، به ترتیب ذیل مطرح می‌شود:

۱. بیان مسئله؛
 ۲. سؤال اصلی و سؤال‌های فرعی تحقیق؛
 ۳. فرضیه اصلی و فرضیه‌های فرعی تحقیق؛
 ۴. متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق (این مورد بیشتر در اقتصاد، مدیریت، انجینیری، زراعت، طب و ... کاربرد دارد)؛
 ۵. پیشینه تحقیق؛
 ۶. اهداف اصلی و فرعی تحقیق؛
 ۷. اهمیت و ضرورت تحقیق؛
 ۸. محدود کردن قلمرو مفهومی، زمانی و مکانی دامنه تحقیق؛
 ۹. بیان نوع و روش تحقیق؛
 ۱۰. سازماندهی تحقیق؛
 ۱۱. محدودیت‌های تحقیق؛
 ۱۲. تعریف و تشریح اصطلاحات اصلی تحقیق؛
- نکته. این بخش مونوگراف را برخی استادان به طور مستقل و تحت عنوان مقدمه و برخی دیگر تحت عنوان فصل اول: کلیات و مفاهیم، قرار می‌دهند.

ک) متن و بدنه اصلی مونوگراف

به طور معمول، مونوگراف و هر نوع تحقیق علمی، در همه‌جا، دارای پنج فصل (بخش) است: ۱. کلیات و مفاهیم تحقیق؛ ۲. بررسی ادبیات و پیشینه تحقیق؛ ۳. روشها و ابزارهای گردآوری اطلاعات؛ ۴. داده‌ها، اطلاعات و تجزیه و تحلیل اطلاعات؛ ۵. خلاصه، نتیجه و پیشنهادات تحقیق. فصل نخست به موضوعات کلی و تئوریک تحقیق اختصاص می‌یابد. اما در حال حاضر در کشور به دلیل نبود امکانات کافی مونوگراف‌ها

حداقل در سه فصل هم مجاز و قابل قبول است. در فصل نخست، کلیات تحقیق بیان می‌شود، و در دیگر فصل‌های اصلی مونوگراف که تعداد آنها به اقتضای موضوع و سؤالات تحقیق و فرضیات متفاوت است، معمولاً به تشخیص نگارنده و راهنمایی استاد راهنما و مشاور تنظیم می‌گردد. هریک از این فصل‌ها می‌تواند به زیر مجموعه‌های دیگر نیز تقسیم شود.

از لحاظ ترتیب ابتدا «فصل» بعد «مبحث» و سپس «گفتار» و «الف. ب. ج. و ...» و «۱. ۲. ۳.» و بعد به ترتیب «۱/۱، ۲/۱، ۳/۱، ...» تنظیم گردد.

نکته. عناوین فصل‌ها و مبحث‌ها باید متناسب با موضوع تحقیق و در جهت فرضیه‌ها و سؤالات تحقیق و بدون ابهام و حتی الامکان مختصر باشد. زیر مجموعه هر فصل و مباحث باید مرتبط با عناوین هر فصل مبحث باشد.

ل) نتیجه‌گیری و پیشنهادات

پس از بررسی و تجزیه و تحلیل موضوع در فصل‌های اصلی مونوگراف، جمع‌بندی نهایی باید در این بخش آورده شود. نگارنده باید در این بخش ضمن بیان موضوع تحقیق و اشاره اجمالی به روند بررسی موضوع، سؤالات و فرضیه‌ها را به ترتیب آورده و نتیجه نهایی آنها را با اشاره‌ای بسیار گذرا به استدلال هریک بیان نماید طوری که تعداد صفحات این بخش از چهار الی پنج صفحه فراتر نرود. در ضمن نگارنده می‌تواند پیشنهادهای خویش را نیز حداکثر در یک صفحه بیان نماید. تحقیقات اگر بنیادی باشد هدف کشف و تولید علم می‌باشد؛ اگر کاربردی باشد حتماً باید این فصل را مفصل داشته باشیم؛ یعنی راهکاری برای حل مسئله پیشنهاد نماید که قابل عمل و اجرایی باشد. پیشنهادات دقیق، درست، علمی و قابل قبول ارائه شود؛ توانایی محقق از پیشنهاداتش شناخته می‌شود.

م) منابع و مآخذ

در انتهای مونوگراف فهرست منابع می‌آید که ابتدا منابع فارسی و پس از آن منابع خارجی و سپس مقالات به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی نویسنده و پس از آن سایر منابع مثل مجموعه قوانین آورده می‌شود.



مشخصات همه منابع در این فهرست باید به طور کامل و به همان صورتی که در پاورقی برای اولین بار ذکر می‌شود، به استثنای شماره صفحه آورده شود. اگر از قرآن کریم و یا کتب احادیث نبوی استفاده شده است با توجه به احترام ویژه‌ای که این آثار دارد در ابتدای فهرست منابع عربی بدون رعایت ترتیب الفبا آورده می‌شود. در منابع از ذکر واژه‌های دکتر، استاد، محترم، آقا/ خانم و امثالهم پرهیز کنید. در یک مونوگراف حداقل ده منبع معتبر الزامی است.

اگر منبع کار شما مقاله است، باید به ترتیب: نام خانوادگی، نام نویسنده، عنوان مقاله BOLD، نام نشریه، سال چاپ، شماره چاپ ذکر شود. اما اگر منبع تحقیق کتاب است باید به این ترتیب تنظیم گردد:

نام خانوادگی، نام نویسنده (سال چاپ)، عنوان کتاب، نام و نام خانوادگی مترجم در صورتی که مترجم داشته باشد، شماره چاپ، محل نشر، نام ناشر، شماره جلد.

در صورتی که یک منبع دو نویسنده داشت، به ترتیب نام آنها که در جلد کتاب درج شده، ابتدا نویسنده اول (نام خانوادگی، نام) و بعد نام نویسنده دوم (به صورت عکس) نام و نام خانوادگی (آن نوشته می‌شود. مثلاً ستانکزی، ناصر و محمد عالمی).

در صورتی که بیش از دو نویسنده داشت در ابتدا بر اساس ترتیب نام نویسندگان در جلد، نام نویسنده اول درج می‌گردد (نام خانوادگی، نام (و واژه «دیگران» نوشته می‌شود و از درج نام دیگر نویسندگان خودداری می‌شود. مثلاً احمدی، محمد نذیر و دیگران. در فهرست منابع بهتر است عنوان کتاب با قلم درشت تایپ شود.

مقالات معتبر اینترنتی: نام خانوادگی، نام نویسنده، منتشره در سایت لینک آدرس سایت باید کامل باشد.

<http://www.....com>

نکته. برخی از آثار ممکن است مشخصات کامل مورد نظر جهت نوشتن در فهرست منابع را نداشته باشند

در چنین موردی به شرح ذیل عمل می‌شود:

اگر نام ناشر را ندارد «بی‌نا» نوشته شود؛
اگر محل نشر آن معلوم نیست «بی‌جا»
نوشته شود؛
اگر تاریخ انتشار ندارد «بی‌تا» نوشته شود.

ن) ضمایم (در صورت وجود)

در این بخش که شماره گذاری نمی‌شود، ضمایم شامل عکس، نمونه پرسشنامه و امثالهم درج می‌گردد.

ض) چکیده انگلیسی Abstract به همراه

کلیدواژه‌های انگلیسی

در صفحات پایانی چکیده به زبان انگلیسی Abstract درج گردد و ترجمه چکیده فارسی باشد و در انتهای پایان‌نامه آورده شود. ذکر عنوان پایان‌نامه در بالای متن و نام محصل به عنوان نگارنده در انتهای متن چکیده انگلیسی Abstract می‌تواند اهمیت کار را افزایش دهد.

با شماره ۲ مشخص می‌شود و شماره گذاری بقیه صفحات مونوگراف (۳، ۴، ۵، ۶، ...) تا به آخر ادامه پیدا می‌کند.

ب) کاغذ و چاپ

کلیه قسمت‌های مونوگراف در یک روی کاغذ سفید مرغوب (A۴) تایپ گردد. نوع قلم مورد استفاده در تمامی متن یکنواخت و با فونت نازنین Nazanin یا لوتوس Lotus و قلم ۱۴ باید باشد. عناوین اصلی به ترتیب فصل با فونت (جدید سیاه ۱۶)، مبحث با (تیترا سیاه ۱۵)، گفتار با فونت (ترافیک سیاه ۱۴)، الف و ب و ج و ... با فونت ۱۴ Bold و عناوین فرعی با فونت ۱۴ Bold باشد.

ج) جدول‌ها و شکل‌ها

تمامی شکل‌ها و تصویرها، نمودارها، منحنی‌ها و جدول‌ها باید با کیفیت مناسب تهیه شود. به گونه‌ای که از وضوح کافی برخوردار باشد. تمامی شکل‌ها و جدول‌ها باید به ترتیب شماره گذاری شود، مثلاً برای جدول‌های فصل ۱، جدول ۱ و ... ذکر شود. عنوان جدول‌ها در بالای آنها ذکر می‌گردد. چنانچه جدول یا شکلی از مرجعی آورده شده است، مرجع در عنوان جدول یا شکل ذکر می‌گردد. همچنین لازم است به کلیه شکل‌ها و جدول‌ها در متن ارجاع داده شود.

د) درج لغات لاتین در متن فارسی

همه نام‌های لاتین در متن به خط فارسی و در پانویس به لاتین با فونت Times New ۱۲ نوشته شود. متون عربی داخل مونوگراف با قلم Badr شماره ۱۴ نازک نوشته شود. اگر در مونوگراف از قرآن کریم یا حدیث شریف استفاده شود باید به طور کامل، دقیق و بدون اشکال از سایت‌های معتبر قرآنی و حدیثی، عین متن اعراب گذاری شده، جایگزین شود.

ه) ارجاع دهی درپاورقی یا پانویس

اگر مطلبی برای اولین بار در مونوگراف ذکر می‌شود و آن از کتابی گرفته شده باشد آدرس آن درپاورقی به شرح ذیل نوشته شود.



غ) پشت جلد

طرح انگلیسی پشت جلد باید مطابق طرح فارسی باشد. عبارت Supervisor برای عنوان استاد راهنما و عبارت Advisor برای عنوان استاد مشاور پیشنهاد می‌گردد.

دیگر نکات مهم مونوگراف

الف) شماره گذاری

صفحات فرعی، مانند اولین صفحه پس از جلد و صفحه سفید، صفحه بسم الله الرحمن الرحیم، صفحه عنوان، صفحه تأییدیه، صفحه سپاسگذاری، تقدیم و صفحه چکیده و فهرست مطالب با حروف ابجد (الف، ب، ج، د، ه، و، ز، ...) شماره گذاری می‌شود.

شماره گذاری صفحات اصلی، با اعداد فارسی انجام می‌شود. اولین صفحه اصلی، مقدمه است که



بیش از دو تن مؤلف داشته باشد تنها نام اولین مؤلف ذکر می‌شود و کلمه "دیگران" در پی آن می‌آید.

(و) وظایف استاد راهنما

۱. راهنمایی دانشجوی در تعیین عنوان و تهیه پروپوزال یا طرح اجمالی مونوگراف؛
۲. راهنمایی دانشجوی در شناسایی منابع، تهیه فهرست و ساختار کلی تحقیق مونوگراف؛
۳. بررسی نوشته‌های دانشجوی و تعیین نقاط قوت و ضعف نوشته و راهنمایی او جهت اصلاح اشکالات شکلی و محتوایی و رعایت موازین و معیارهای نگارشی؛
۴. تأیید کتبی قابل دفاع بودن مونوگراف و صحت مطالب آن و عدم سرقت علمی؛
۵. شرکت در جلسه دفاع و دفاع از محتوای مونوگراف؛
۶. بررسی اشکالات وارده شده در جلسه دفاع و نظارت بر رفع آنها و تأیید کتبی اصلاحات صورت گرفته بر اساس نظرات هیئت در

نام خانوادگی، نام، عنوان کتاب، نام و نام خانوادگی مترجم، محل نشر، ناشر، تاریخ نشر، شماره جلد، شماره صفحه در صورتی که بیش از یک صفحه است از این شکل استفاده شود صص..... بین هر قسمت از این شکل فوق‌الذکر ویرگول (،) و پایان هر پاورقی نقطه گذاشته شود.

نکته: اگر از ترجمه استفاده نشده است قسمت نام مترجم نوشته نمی‌شود.

اگر از کتاب و یا هر منبع و مرجع دیگری برای بار دوم، سوم و... بلافاصله استفاده می‌شود به عبارت «همان» بسنده شود. اگر از همان منبع بلافاصله استفاده می‌شود؛ اما شماره صفحه و یا جلد متفاوت است به شکل «همان، ص... و» همان، ج ۱، ص... نوشته می‌شود.

اگر برای بار دوم و بعد از آن در مونوگراف از همان منبع با فاصله استفاده می‌شود پس از ذکر نام خانوادگی، نام، نام کتاب آورده شود. اگر اثری دارای دو مؤلف باشد شهرت و نام هر دو تن را به ترتیبی که پشت جلد اثر آمده است می‌نویسند؛ اما اثری که

جلسه دفاع؛

۷. برگزاری حداقل پنج تا هفت جلسه یک ساعته با دانشجوی به همراه مطالعه موناگراف و ارایه تذکرات کتبی.

ز) نکات ریز و ضروری موناگراف

۱. جملات متن حتی الامکان کوتاه و مطابق قواعد دستور زبان فارسی باشد؛
۲. حتی الامکان از علامت‌های نشانه‌گذاری (، ؛ ! ؟) « » ... استفاده شود؛
۳. در صورتی که تصویری به صورت فتوکپی یا اسکن شده در پایان نامه ارائه می‌شود باید کاملاً واضح و از کیفیت خوبی برخوردار باشد؛
۴. هر پاراگرافی با Indent یک سانتی متر فاصله پاراگرافی آغاز گردد. تمامی عناوین در متن بدون فاصله از گوشه سمت راست نوشته می‌شوند؛
۵. از اشکال سیاه و سفید حتی الامکان استفاده گردد؛
۶. شماره صفحات در قسمت پائین صفحه و در وسط و به صورت ساده و با استفاده از اعداد فارسی درج شود؛
۷. در بالای صفحات موناگراف می‌توان از هیدر Header صرف با درج عنوان موناگراف درج نمود؛
۸. زبان نوشتاری موناگراف می‌تواند فارسی یا پشتو باشد؛
۹. تمامی متن اصلی باید justify شود؛
۱۰. اصل کلمات اساسی لاتین که به فارسی برگردانده می‌شوند در پاورقی هر صفحه با

شماره ارجاع آورده شود. مثلاً اسامی نویسندگان خارجی و یا اصطلاحات علمی؛
۱۱. در پاورقی و فهرست منابع از واژه‌های داکتر، پوهاند و... استفاده نمی‌شود و در متن موناگراف اگر برای همه افراد یکسان عمل شود مانعی به نظر نمی‌رسد؛

۱۲. در مورد اسامی استادان رهنما و یا مشاور که روی جلد موناگراف می‌آید از عناوینی چون جناب / آقا و یا استاد و محترم و... خودداری شود. فقط از عناوین علمی استفاده شود؛
۱۳. اگر مطالب عیناً از دیگری نقل می‌شود باید آغاز و پایان آن داخل گیومه «...» قرار داده شود؛
۱۴. توصیه می‌شود فصل مروری بر ادبیات موضوع حداکثر ۱۲ صفحه باشد؛
۱۵. تعداد صفحات موناگراف دوره لیسانس حداقل ۵۰ صفحه و هر صفحه حداقل ۳۰۰ کلمه باشد؛
۱۶. موناگراف به تعداد ۳ نسخه صحافی شده تهیه گردد که یک نقل آن در آرشیف ریاست دانشگاه و یک نقل در کتابخانه پوهنحی و یک نقل نزد فارغ التحصیل باقی می‌ماند. همچنین محصل موظف است علاوه بر ۳ نسخه چاپی یک نسخه الکترونیکی شامل متن کامل موناگراف و عیناً منطبق با نسخه چاپی نهایی که هیات داوران آن را تأیید کرده‌اند، به کتابخانه یا دانشکده تحویل دهند. متن کامل موناگراف به صورت یک فایل کامل در قالب فرمت pdf و یک فایل کامل در قالب فرمت ویرایشگر Word بر روی یک سی دی قرار گیرد.



تهیه و تنظیم:
عبدالمنان عطایی

گزارش‌هایی از کارنامه علمی و فرهنگی دانشگاه جامی



دانشگاه جامی و آگاهی دهی در مورد حکومتداری خوب

عنوان حکومتداری خوب راه اندازی نمود. این برنامه توسط استاد محمد سعید دانش و استاد هادی خردورز جوپا در سالون کنفرانس‌های دانشگاه جامی اجرا شد. در ختم برنامه، علاوه بر ترتیب پنل پاسخ دهی به سؤالات، برای اشتراک‌کنندگان تصدیق‌نامه نیز توزیع گردید.

برنامه آگاهی دهی برای یکصدتن از کارمندان ادارات دولتی هرات به تاریخ ۲۳ و ۲۴ ثور برگزار گردید. بر مبنای تفاهم‌نامه قبلی با ریاست منابع بشری مقام ولایت هرات، بخش انکشاف مسلکی دانشگاه جامی به همکاری اساتید دانشکده حقوق و علوم سیاسی، برنامه دوروزه آگاهی دهی را تحت



همکاری با مقام ولایت هرات

محترم میرعثمان ایوبی رئیس هیئت اُمناء و محترم علی احمد ستاری آمر ارتقای مسلکی حضور داشتند. در این ملاقات بر تداوم همکاری‌های دو نهاد تاکید گردید و قرار شد تا افق‌های جدیدی از فعالیت‌های مشترک جهت فراهم آوری تسهیلات بیشتر برای دانش پژوهان و زمینه‌های کسب تجارب کاری برای کارآموزان باز شود.

جهت ایجاد هماهنگی و تداوم همکاری‌های مشترک مقام ولایت هرات و دانشگاه جامی به روز چهارشنبه ۱۸ ثور ۱۳۹۸ ملاقاتی ترتیب گردید. در این ملاقات از جانب مقام ولایت هرات محترم ذبیح الله کریم سوری رئیس منابع بشری و محترم نورالحق احمدی آمر ارتقای ظرفیت و انکشاف اداره، و از جانب دانشگاه جامی محترم استاد نصیراحمد فرهمند معاون علمی،

بازنگری نصاب درسی دانشکده‌های زراعت کشور



محترم استاد نصیراحمد فرهمند، معاون علمی پوهنتون جامی در ورکشاپ چهارروزه بازنگری نصاب تحصیلی دانشکده‌های زراعت که از ۲۵ الی ۲۸ حمل سال جاری در سالون کنفرانس‌های وزارت تحصیلات عالی برگزار گردید، شرکت نمود. در این ورکشاپ نصاب درسی دبیرتمن‌های هشتگانه دانشکده‌های زراعت بازنگری و بعد از ایجاد تغییرات لازم تأیید گردید. دانشگاه جامی به عنوان یگانه دانشگاه خصوصی، دارای رشته زراعت، در این برنامه دعوت شده بود.



📌 جلسه استادان دانشکده طب معالجوی با حضور اساتید و مسؤولین دانشگاه جامی

استادان دانشگاه جامی ضمن بیان جایگاه و نقش استادان در انکشاف جامعه مطابقت معیارهای یازده گانه تضمین کیفیت، به توضیح چگونگی اجرای روش‌های ارزیابی استادان پرداخت. همچنان در این جلسه گزارش مفصل تصویری از معرفی دانشگاه جامی، اهداف، دستاوردها، برنامه‌ها و پلان‌های آینده نیز که به همت کمیته فرهنگی دانشگاه جامی تهیه گردیده است، پخش و مورد استقبال حاضرین قرار گرفت. در اخیر اساتید این دانشکده ضمن بحث و تبادل نظر و ارائه راهکارها جهت بهبود کیفیت تدریس، بر لزوم تشکیل چنین جلسات تاکید نمودند. جلسه با قرائت دعائیه پایان یافت.

روز یکشنبه ۱۵ ثور سال ۱۳۹۸ جلسه استادان دانشکده طب معالجوی با حضور اساتید و جمعی از مسؤولین دانشگاه جامی در اتاق کنفرانس‌های دانشگاه برگزار گردید. ابتدا دوکتور سید نعیم عالمی رئیس این دانشکده طی سخنانی از زحمات اساتید در قسمت تدریس متمر و مؤثر ایشان تشکر و قدردانی نمود، سپس به ارائه توضیحاتی از کارکردهای اخیر دانشگاه چون ایجاد زمینه‌های بیشتر تحقیقی برای استادان و محصلان، فراهم نمودن زمینه ارتقاء سویه تحصیلی کادر علمی و اداری، راه اندازی برنامه‌های متعدد فرهنگی، گسترش روابط آکادمیک با نهادهای علمی داخلی و خارجی و تدویر کنفرانس‌های متعدد علمی پرداخت. در ادامه عتیق الله رحیمی آمر



پوهنتون جامی قهرمان مسابقات شنا (جام محصل) شد

مسابقات، مرتضی نعیمی محصل پوهنحی اقتصاد و مدیریت پوهنتون جامی مقام نخست را از آن خود نموده و قهرمان این مسابقات گردید. هیئت رهبری پوهنتون جامی ضمن خرسندی از کسب مقام قهرمانی در این مسابقات، برای آقای نعیمی و خانواده بزرگ جامی، موفقیت‌های مزید مسئلت دارد.

به تاریخ ۲۰ حمل ۱۳۹۸ اولین دور مسابقات شنا تحت نام (جام محصل) توسط فدراسیون ورزشی پوهنتون‌های حوزه غرب کشور (USFA) با همکاری فدراسیون شنا و واترپولو ولایت هرات، با اشتراک دانشجویان پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی (دولتی و خصوصی) ولایت هرات برگزار گردید. در این

کتاب مفاهیم اساسی علم سیاست از چاپ خارج شد

غناى معنوى، قدرت اعتماد به نفس را بالا برده و موجب تشویق و ترغیب پژوهشگران بالقوه در جامعه می‌گردد. دانشگاه جامی با اتکاء به نیروی دانش آموخته، جوان و متخصص خود، متعهد است تا در پژوهش، تألیف و ترجمه تلاش مضاعف به خرج دهد و در تولید و پخش علم و دانش امکانات مادی و معنوی خود را بی دریغ به کار گیرد. در پهلوی تولید آثار پژوهشی متعدد در این دانشگاه، این اولین اثر ترجمه در این نهاد علمی است که آماده گردیده است. ضمن اظهار امتنان و سپاس از تلاش‌های ایشان، توفیق مزید شان را در راه خدمت به تشنگان علم و معرفت از بارگاه رب العزت خواهانیم.

ترجمه و چاپ کتاب «مفاهیم اساسی علم سیاست» که یکی دیگر از دستاوردهای علمی و تحقیقی دانشگاه جامی است در دسترس علاقه مندان قرار گرفت. این کتاب که توسط دانشمندی هندی به نام یو. آر. گی به زبان انگلیسی تألیف شده بود توسط استاد محمد سعید دانش، آمر دیپارتمنت اداری-دیپلماسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی پوهنتون جامی ترجمه و با حمایت دانشگاه جامی به چاپ رسید. ترجمه آثار نویسندگان مطرح جهان، دسترسی به منابع بیشتر علمی را میسر ساخته و مسیر تحقیق و پژوهش را هموار می‌سازد. تولید و ترجمه آثار علمی، در پهلوی افزایش بر



یو. آر. گی

مفاهیم اساسی

علم سیاست

مترجم: محمد سعید دانش



📌 بررسی راه‌های کنترل استرس و اضطراب پیش از کانکور

از امتحان کانکور از سوی روانشناسان این انجمن آموزش داده شد. در ختم برنامه به سؤالات اشتراک کننده‌ها در راستای موضوعات مرتبط به استرس امتحان کانکور پاسخ ارائه گردید. اشتراک کننده‌ها از برگزاری این برنامه ابراز رضایت نموده و دانشگاه جامی را پیشگام در برگزاری چنین برنامه‌هایی مفید دانستند.

کنترل استرس و اضطراب پیش از کانکور عنوان سمینار آموزشی بود که بخش انکشاف مسلکی دانشگاه جامی با تفاهم همراهی انجمن روانشناسان ولایت هرات در دانشگاه جامی برای بیش از ۱۵۰ دانش آموز آماده اشتراک در کانکور برگزار نمود. در این سمینار موضوعات بس مهم و ارزنده روانشناسی پیرامون کاهش استرس و اضطراب قبل

📌 از دانشجوی افتخارآفرین دانشگاه جامی تقدیر شد

جای نهایت خرسندی است که محترم قاری محمدرفع یوسفی محصل دانشکده شرعیات پوهنتون جامی که در مسابقات حسن تلاوت قرآن کریم در سطح کشور، اشتراک نموده بود، مقام دوم کشوری را به دست آورد.

هیئت رهبری دانشگاه جامی کسب این مقام عالی را برای این دانشجوی گرامی، خانواده محترم، اساتید گرانقدر و تمام دانشجویان عزیز دانشگاه جامی تبریک گفته، از خداوند مهربان موفقیت‌های مزید وی را در تمام عرصه‌های زندگی خواهان است. به پاسداشت کسب این افتخار بزرگ، تقدیرنامه‌ای از جانب ریاست محترم دانشگاه به جناب قاری یوسفی اعطا شد و الی ختم دوران تحصیل، برایش بورسیه تحصیل رایگان منظور گردید.





کنفرانس علمی گفت و گوی صلح در ترازوی نقد برگزار شد

استاد محمد داوود عرفان به بررسی زوایای داخلی گفتگوهای صلح و استاد احمد ارشاد خطیبی به بررسی زوایای بین المللی گفتگوهای صلح و استاد لیلما نعمانی، بر محور دغدغه‌های زنان پیرامون گفتگوهای صلح، به اشتراک کنندگان معلومات ارائه نمودند. در ادامه برنامه اعضای پنل به پرسش‌های اشتراک کنندگان نیز پاسخ ارائه نمودند.

پوهنحی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه جامی کنفرانس علمی را تحت عنوان گفتگوهای صلح در ترازوی نقد اکادمیک با حضور اعضای هیات رهبری، استادان، دانشجویان و مهمانان در سالون کنفرانس‌های این دانشگاه برگزار کرد. کنفرانس با قرائت کلام الله مجید آغاز یافت. سپس اساتید ارائه کننده، روی موضوعات زیر به ایراد سخن پرداختند:

خوشامدگویی به دانشجویان جدید الشمولان دانشگاه جامی



به تاریخ ۱۳۹۸/۰۲/۱۲ برای جدید الشمولان سمستر بهاری، با حضور هیئت رهبری، رؤسای پوهنحی‌ها و اساتید محترم دانشگاه، طی محفل با شکوهی ضمن خوش آمدگویی و آرزوی موفقیت‌های مزید در عرصه کسب علم و دانش، پیرامون قوانین، مقررات، لوایح و طرزالعمل‌های وزارت محترم تحصیلات عالی توضیحات لازم ارائه گردید.

به ابتکار کمیته فرهنگی پوهنتون جامی، سمسروار برای جدید الشمولان این پوهنتون محفلی تدارک دیده می‌شود و در آن ضمن خوش آمدگویی، تمام قوانین و مقررات وزارت تحصیلات عالی و پوهنتون جامی واضح ساخته می‌شود.



کنفرانس بررسی میزان آلودگی آب آشامیدنی هرات

محمدسعید صدیقیان با ابراز سپاس، حضور مهمانان را خوش آمدید گفت و به ارائه موضوعات کنفرانس پرداخت. در این کنفرانس زوایای مختلف مسائل مربوط به آب آشامیدنی در ولایت هرات مورد بررسی قرار گرفت و در ادامه به سؤالات حاضرین، جواب ارائه گردید. در پایان دوکتور سید نعیم عالمی رئیس دانشکده طب معالجوی از تلاش و حسن همکاری اساتید در جهت برگزار نمودن کنفرانس‌ها قدردانی، و از اشتراک همه دانشجویان و اعضای کادر علمی و اداری دانشگاه در این کنفرانس تشکر نمود.

دانشکده طب معالجوی دانشگاه جامی کنفرانس علمی را تحت عنوان بررسی میزان آلودگی و غلظت نیتريت و نیترات در آب آشامیدنی ولایت هرات با ارائه دکتر محمدسعید صدیقیان استاد دانشکده طب معالجوی و با حضور هیئت رهبری، اساتید و جمع کثیری از دانشجویان دانشگاه جامی روز یکشنبه ۱۵ ثور ۱۳۹۸ در سالون کنفرانس‌های این دانشگاه برگزار کرد. کنفرانس ساعت ۸:۳۰ صبح با تلاوت آیاتی از قرآن کریم توسط قاری غلام محبوب عرفات محصل سمستر ششم دانشکده طب معالجوی آغاز یافت. سپس دکتر



📎 دانشگاه جامی از دانشجویان برتر خود تقدیر کرد

عبدالروف مخلص استاد دانشگاه هرات و مشاور ارشد دانشگاه جامی، به عنوان سخنران بعدی، جوانان را به تلاش بیشتر تشویق نمود و با استناد به کلام الهی و احادیث نبوی جد و جهد را لازمه حیات انسان دانست. سپس یک تن از اولیای دانشجویان به نمایندگی از خانواده‌ها به ایراد سخن پرداخت و تلاش‌های اساتید و کارمندان دانشگاه جامی را در ارائه خدمات عالی تحصیلی، قابل قدر دانست. در پایان برای تمام دانشجویانی که در سمستر قبلی از خود شایستگی نشان داده و مقام‌های اول الی سوم را کسب نموده بودند، تندیس یادبود، تحسین‌نامه و تحفه توزیع گردید و در ختم محفل از تمام اشتراک کنندگان پذیرایی به عمل آمد.

در محفلی که به روز چهارشنبه ۴ ثور ۱۳۹۸ به این مناسبت تدویر یافت، با تقدیر از دانشجویان ممتاز دانشکده‌های مختلف، به مقام والای علم و معرفت ارج نهاده شد. بعد از قرائت آیات کلام پاک الهی، سرود ملی نواخته شد. بعد استاد نصیر احمد فرهمند، معاون علمی دانشگاه جامی به نمایندگی از هیئت رهنبری دانشگاه، کسب مقام برتر را برای اول نمره‌ها، دوم نمره‌ها و سوم نمره‌های سمسترهای مختلف تمام دانشکده‌های جامی تبریک گفت.

در ادامه محفل، الحاج محمد رفیق شهیر رئیس شورای متخصصان هرات، دانشگاه جامی را یکی از برترین نهادهای تحصیلات عالی کشور دانست و از تلاش‌های رهنبری دانشگاه در جهت رشد و تعالی تحصیلات عالی در کشور تقدیر نمود. در ادامه محترم پوهندوی



📎 برنامه آموزشی قانون منع خشونت علیه زنان از سوی دانشگاه جامی برگزار شد

علیه زنان

۶. بررسی آمار خشونت‌های خانوادگی علیه زنان
۷. تلاش‌های جامعه بین‌المللی برای رفع خشونت علیه زنان
۸. بررسی علل و عوامل شخصیتی، جسمی و روحی خشونت‌ها علیه زنان
۹. توضیح علل و عوامل اقتصادی، معیشتی و حقوقی خشونت علیه زنان
۱۰. پیامدها و آسیب‌های ناشی از خشونت‌های خانوادگی در دراز مدت
۱۱. نتیجه‌گیری و راهکارهای جلوگیری از خشونت‌های خانوادگی

در ختم این برنامه آموزشی برای اشتراک‌کننده‌ها تصدیق‌نامه نیز توزیع گردید.

معرفی قانون منع خشونت علیه زنان، عنوان برنامه آموزشی چهار روزه‌ای بود که از سوی بخش انکشاف مسلکی دانشگاه جامی و بر حسب تفاهم‌نامه این دانشگاه با مقام ولایت هرات تدویر یافت. در این برنامه حدود یکصد نفر از کارمندان ادارات دولتی (بانوان و آقایان) اشتراک نمودند. پوهنتون جامی نظر به رسالت خویش پیرامون انکشاف جامعه بر، برگزاری برنامه‌های مشابه در آینده عزم راسخ داشته و تلاش خواهد نمود.

عناوین مورد بحث این پروگرام آموزشی:

۱. مفاهیم و کلیات موضوع خشونت علیه زنان
۲. بررسی کاوش قانون منع خشونت علیه زنان
۳. پیشینه خشونت علیه زنان و بررسی عوامل خشونت‌های خانوادگی
۴. عوامل و زمینه‌های بروز خشونت علیه زنان
۵. عوامل و دلایل فرهنگی، اجتماعی و حقوقی خشونت